

### الدَّرْسُ الثَّلَاثُ

**الدَّرْسُ** (اسم، مفرد، مذکر، معذفه به «ال»/خبر برای ابتدایی که حذف شده) **الثَّلَاثُ** (اسم، مفرد، مذکر، اسم فاعل گروه اول، معرفه به «ال»/صفت مفرد)

((الْعِلْمُ صَيْدٌ وَ الْكِتَابَةُ قَيْدٌ)) فَ (قَيِّدُوا الْعِلْمَ بِالْكِتَابَةِ))

دانش شکار است و نوشتن بند؛ دانش را با نوشتن به بند آورید.

((الْعِلْمُ) (اسم، مفرد، مذکر، معرفه، به «ال»/ابتدا) **صَيْدٌ** (اسم، مفرد، مذکر، نکره/خبر از نوع مفرد) و **الْكِتَابَةُ** (اسم، مفرد، مؤنث معرفه، به «ال»/ابتدا) **قَيْدٌ**. (اسم، مفرد، مذکر، نکره/خبر از نوع مفرد) **فَ** ((قَيِّدُوا) فعل، امر، مخاطبین، ثلاثی مزید در باب تفعیل، متعدی، معلوم/جمله فعلیه و فاعله ضمیر بارز متصل «واو») **الْعِلْمَ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه، به «ال»/مفعول) **بِ** (حرف، جر، عامل) **الْكِتَابَةِ**. (اسم، مفرد، مؤنث معرفه، به «ال»/مجرور به حرف جر)

الْكُتُبُ طَعَامُ الْفِكْرِ      کتاب‌ها خوراک اندیشه‌اند.

**الْكُتُبُ** (اسم، جمع، مکسر «تکسیر»، و مفرد «الکتاب» و هو مذکر، معرفه به «ال»/مجرور به حرف جر) **طَعَامُ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه، به «اضافه»/خبر از نوع مفرد) **الْفِكْرِ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه، به «ال»/مضاف الیه)

(عَنْ كِتَابِ «أَنَا» لِعَبَّاسِ مَحْمُودِ الْعُقَادِ، بِتَصْرُفٍ) (از کتاب «أنا» نوشته عباس محمود العقاد، با تصرّف)

**عَنْ** (حرف، جر، عامل) **كِتَابِ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه، به اضافه/مجرور به حرف جر) «أَنَا» (اسم/ضمیر منفصل، للمتكلم وحده، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) **لِ** (حرف، جر، عامل) **عَبَّاسِ** (اسم، مفرد، مذکر، اسم مبالغة، معرفه به اضافه/مجرور به حرف جر) **مَحْمُودِ** (اسم، مفرد، مذکر، اسم مفعول گروه اول، معرفه به اضافه/مضاف الیه) **الْعُقَادِ** (اسم، مفرد، مذکر، اسم مبالغة، معرفه به «ال»/مضاف الیه **بِ** (حرف، جر، عامل) **تَصْرُفٍ** (اسم/مصدر مفرد، مذکر، نکره/مجرور به حرف جر))

إِنَّ الْكُتُبَ طَعَامُ الْفِكْرِ، وَ لِكُلِّ فِكْرٍ طَعَامٌ، كَمَا تَوْجَدُ أَطْعَمَةً لِكُلِّ جِسْمٍ.

قطعاً کتاب‌ها، خوراک اندیشه‌اند و هر اندیشه‌ای خوراکی دارد، همان‌گونه که برای هر بدنی خوراک‌هایی یافت می‌شود.

**إِنَّ** (حرف، مشبهة بالفعل، عامل) **الْكُتُبَ** (اسم، جمع، مكسر «تكسير»، ومفردة «الكتاب» وهو مذكر، معرفه به «ال»/اسم إن) **طَعَامٌ** (اسم، مفرد، مذكر، معرفه، به «اضافه»/خبر از نوع مفرد) **الْفِكْرَ** (اسم، مفرد، مذكر، معرفه، به «ال»/مضاف اليه) و **لِ** (حرف، جر، عامل) **كُلِّ** (اسم، مفرد، مذكر، نكرة/مجرور به حرف جر- **لِكُلِّ** خبر مقدم) **فِكْرٍ** (اسم، مفرد، مذكر، نكرة/مضاف اليه) **طَعَامٍ** (اسم، مفرد، مذكر، نكرة/ميتداى مؤخر) **كَ** (حرف، جر، عامل) **مَا** (اسم، موصول، معرفه به موصول/مجرور به حرف جر) **تَوْجَدُ** (فعل، مضارع، للغائبه، ثلاثى مجرد، متعدى، مجهول/جمله فعليه ونائب فاعله «أطعمه» از نوع اسم ظاهر) **أَطْعَمَهُ** (اسم، جمع مكسر «تكسير» ومفردة «الطعام» وهو مذكر، نكرة/نائب فاعل از نوع اسم ظاهر) **لِ** (حرف، جر، عامل) **كُلِّ** (اسم، مفرد، مذكر، نكرة/مجرور به حرف جر) **جِسْمٍ** (اسم، مفرد، مذكر، نكرة/مضاف اليه)

وَمِنْ مَزَايَا الْجِسْمِ الْقَوِيُّ أَنَّهُ يَجْذِبُ غِذَاءً مُنَاسِبًا لِنَفْسِهِ

و از مزیت‌های بدن نیرومند این است که خوراکی مناسب را برای خودش جذب می‌کند.

**وَمِنْ** (حرف، جر، عامل) **مَزَايَا** (اسم، جمع، مكسر «تكسير» ومفردة «المزية» وهى مؤنث، معرفه به «اضافه»/مجرور به حرف جر) **الْجِسْمِ** (اسم، مفرد، مذكر، معرفه، به «ال»/مضاف اليه) **الْقَوِيُّ** (اسم، مفرد، مذكر، معرفه، به «ال»/صفت مفرد) **أَنَّ** (حرف، مشبهة بالفعل، عامل) **هُ** (اسم/ضمير متصل، للغائبه، معرفه به ضمير/اسم إن) **يَجْذِبُ** (فعل، مضارع، للغائبه، مجرد ثلاثى، متعدى، معلوم/جمله فعليه وفاعله ضمير مستتر «هو» وخبر أن) **غِذَاءً** (اسم، مفرد، مذكر، نكرة/مفعول) **مُنَاسِبًا** (اسم، مفرد، مذكر، اسم فاعل گروه دوم، نكرة/صفت مفرد) **لِ** (حرف، جر، عامل) **نَفْسٍ** (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «اضافه»/مجرور به حرف جر) **ه** (اسم/ضمير متصل، للغائبه، معرفه به ضمير/مضاف اليه)

وَكَذَلِكَ الْإِنْسَانُ الْعَاقِلُ يَسْتَطِيعُ أَنْ يَجِدَ غِذَاءً فِكْرِيًّا فِي كُلِّ مَوْضِعٍ

و همچنین انسان خردمند(دانا) می‌تواند در هر موضوعی خوراکی فکری بیابد.

**كَ** (حرف، جر، عامل) **ذَلِكَ** (اسم، اشاره، للبعيد، مفرد مذكر، معرفه به اشاره/مجرور به حرف جر) **الْإِنْسَانُ** (اسم، مفرد، مذكر، معرفه به «ال»/تابع اسم اشاره) **الْعَاقِلُ** (اسم، مفرد، مذكر، اسم فاعل گروه اول، معرفه به «ال»/صفت مفرد) **يَسْتَطِيعُ** (فعل، مضارع، للغائبه، ثلاثى مزيد در باب استفعال، متعدى، معلوم/جمله فعليه وفاعله ضمير مستتر «هو») **أَنَّ** (حرف، ناصبه، غير عامل) **يَجِدَ** (فعل، مضارع، للغائبه، مجرد ثلاثى، متعدى، معلوم/جمله فعليه وفاعله ضمير مستتر «هو») **غِذَاءً** (اسم، مفرد، مذكر، نكرة/مفعول) **فِكْرِيًّا** (اسم، مفرد، مذكر، نكرة/صفت مفرد) **فِي** (حرف، جر، عامل) **كُلِّ** (اسم، مفرد، مذكر، نكرة/مجرور به حرف جر) **مَوْضِعٍ** (اسم، مفرد، مذكر، اسم مفعول گروه اول، نكرة/مضاف اليه)

وَإِنَّ التَّحْدِيدَ فِي اخْتِيَارِ الْكُتُبِ كَالْتَّحْدِيدِ فِي اخْتِيَارِ الطَّعَامِ، كِلَاهُمَا لَا يَكُونُ إِلَّا لِطِفْلِ أَوْ مَرِيضٍ

و قطعاً محدود کردن انتخاب کتاب‌ها مانند محدود کردن انتخاب خوراک است، هر دوی آنها فقط برای کودک یا بیمار می‌باشد.

**إِنَّ** ( حرف ، مشبّهة بالفعل ، عامل) **التَّحْدِيدِ** (اسم / مصدر، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / اسم إِنَّ) **فِي** (حرف، جر، عامل)  
**اِخْتِيَارِ** (اسم / مصدر، مفرد، مذکر، معرفه به «اضافه / مجرور به حرف جر) **الْكِتَابِ** (اسم، جمع، مکسر «تکسیر»، ومفرد «الکتاب» وهو  
مذکر، معرفه به «ال» / مضاف الیه) **كَ** (حرف، جر، عامل) **التَّحْدِيدِ** (اسم / مصدر، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر  
کالتَّحْدِيدِ خیر إِنَّ از نوع جار ومجرور) **فِي** ( حرف ، جر، عامل) **اِخْتِيَارِ** (اسم / مصدر، مفرد، مذکر، معرفه به «اضافه» / مجرور به حرف  
جر) **الطَّعَامِ**، (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مضاف الیه) **كَلَا** (اسم، مثنی، مذکر، معرفه به «اضافه» / مبتدا) **هُمَا** (اسم / ضمیر  
متصل، للغائبین، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) **لَا** (حرف، منفی، غیر عامل) **يَكُونُ** (فعل، ناقصه، للغائب، ثلاثی مجرد، / افعال ناقصه  
واسمه ضمیر مستتر «هو» - لایکون خبر برای «کلا» / **إِنَّا** (ادات حصر، غیر عامل) **لِ** (حرف، جر، عامل) **طِفْلِ** (اسم، مفرد، مذکر،  
نکره / مجرور به حرف جر - لطفل خبر برای «یکون» / **أَوْ** (حرف، عطف، غیر عامل) **مَرِيضٍ** (اسم، مفرد، مذکر، نکره / معطوف)  
إِذَا كَانَ لَكَ فِكْرٌ قَادِرٌ، تَسْتَطِيعُ بِهِ أَنْ تَفْهَمَ مَا تَقْرَأُ؛ فَاقْرَأْ مَا تُحِبُّ مِنَ الْكُتُبِ؛

پس اگر اندیشه‌ای توانمند داشته باشی که به کمک آن می‌توانی آنچه را می‌خوانی بفهمی، پس از میان کتاب‌ها هرچه را دوست  
داری بخوان.

**إِذَا** (اسم / ادات شرط، غیر عامل / قید) **كَانَ** ( افعال ناقصه، للغائب، ثلاثی مجرد / افعال ناقصه واسمه «فکر» ، فعل شرط) **لِ** (حرف  
جر، عامل) **كَ** (اسم / ضمیر متصل، لمخاطب، معرفه به ضمیر / مجرور به حرف جر - لک خر مقدم «کان» از نوع جار ومجرور)  
**فِكْرٌ** (اسم ، مفرد، مذکر، نکره / اسم مؤخر «کان» / **قَادِرٌ**، (اسم ، مفرد، مذکر، اسم فاعل گروه اول، نکره / صفت مفرد) **تَسْتَطِيعُ** (فعل  
، مضارع، للمخاطب، ثلاثی مزید در باب استفعال، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «انت» ، جواب شرط)  
**بِ** (حرف، جر، عامل) **ه** (اسم / ضمیر متصل، للغائب، معرفه به ضمیر / مجرور به حرف جر) **أَنْ** (حرف، ناصبه، عامل) **تَفْهَمَ** (فعل ، مضارع،  
للمخاطب، ثلاثی مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «انت» / **مَا** (اسم، موصول، معرفه به موصول / مفعول) **تَقْرَأُ** ؛ )  
فعل ، مضارع، للمخاطب، ثلاثی مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «انت» / **فَاقْرَأْ** (فعل، امر، مخاطب ، ثلاثی  
مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «انت» / **مَا** (اسم، موصول، معرفه به موصول / مفعول) **تُحِبُّ** (فعل ، مضارع،  
للمخاطب، ثلاثی مزید در باب افعال، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «انت» / **مِنَ** (حرف، جر، عامل) **الْكِتَابِ** (اسم،  
جمع، مکسر «تکسیر»، ومفرد «الکتاب» وهو مذکر، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر)

فَالْتَّجَارِبُ لَا تُغْنِيَانَا عَنِ الْكُتُبِ، لِأَنَّ الْكُتُبَ تَجَارِبُ الْأُمَمِ عَلَى مَرِّ آلَافِ السِّنِّينَ، وَلَا يُمَكِّنُ أَنْ تَبْلُغَ تَجْرِبَةُ الْفَرْدِ الْوَاحِدِ أَكْثَرَ مِنْ  
عَشْرَاتِ السِّنِّينَ.

تجربه‌ها ما را از کتاب‌ها بی‌نیاز نمی‌کنند، زیرا کتاب‌ها تجربه‌های امت‌ها در گذر هزاران سال هستند، و امکان ندارد که تجربه  
یک فرد به بیشتر از ده‌ها سال برسد (بیشتر از چند دهه باشد).

فَالْتَجَارِبُ ( اسم، جمع، مكسر «تکسیر» مفرده «التجربة» وهی مؤنث، معرفه به «ال» / مبتدا) لا (حرف، منفی، عامل) تُغْنِي (فعل)، مضارع، للغائبه، ثلاثی مزید در باب افعال، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هی» نا (اسم / ضمیر متصل، للمتكلم مع الغير، معرفه به ضمیر / مفعول) عَنِ (حرف، جر، عامل) الْكُتُبِ، ( اسم، جمع، مكسر «تکسیر»، ومفرده «الكتاب» وهو مذكر، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر) لِ (حرف، جر، عامل) أَنْ ( حرف، مشبهه بالفعل، عامل) الْكُتُبِ ( اسم، جمع، مكسر «تکسیر»، ومفرده «الكتاب» وهو مذكر، معرفه به «ال» / اسم أَنْ) تَجَارِبُ ( اسم، جمع، مكسر «تکسیر». مفرده «التجربة» وهی مؤنث، معرفه به «اضافه» / خبر «أَنْ» از نوع مفرد) الْأُمَمِ ( اسم، جمع، مكسر «تکسیر». مفرد «الامة» وهی مؤنث، معرفه به «ال» / مضاف اليه) عَلَيَّ (حرف، جر، عامل) مَرًّا ( اسم، مفرد، مذكر، معرفه به «اضافه» / مجرور به حرف جر) آلاَفٍ ( اسم، جمع، مكسر «تکسیر». مفرده «الالف» وهی مؤنث، معرفه به «اضافه» / مجرور به حرف جر) السَّنِينَ، ( اسم، جمع، مذكر، سالم، ومفرده «السنة» معرفه به «ال» / مضاف اليه) وَلَا (حرف، منفی، غير عامل) يُمَكِّنُ (فعل، مضارع، للغائب، ثلاثی مزید در باب افعال، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله «أَنْ تَبْلَغَ» ( حرف، ناصبه، عامل) تَبْلَغُ (فعل، مضارع، للغائبه، ثلاثی مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله «تَجْرِبَةُ» «از نوع اسم ظاهر) تَجْرِبَةُ ( اسم، مفرد، مذكر، معرفه به «اضافه» / فاعل از نوع اسم ظاهر) الْفَرْدِ ( اسم، مفرد، مذكر، معرفه به «ال» / مضاف اليه) الْوَاحِدِ ( اسم، مفرد، مذكر، اسم فاعل گروه اول، معرفه به «ال» / صفت مفرد) أَكْثَرَ ( اسم، مفرد، مذكر، اسم تفضیل، نکره / مفعول) مِنْ (حرف، جر، عامل) عَشْرَاتٍ ( اسم، جمع، مؤنث، سالم، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر) السَّنِينَ، ( اسم، جمع، مذكر، سالم، ومفرده «السنة» معرفه به «ال» / مضاف اليه)

وَلَا أَظُنُّ أَنَّ هُنَاكَ كِتَابًا مُكَرَّرَةً؛ لِأَنِّي أَعْتَقِدُ أَنَّ الْفِكْرَةَ الْوَاحِدَةَ إِذَا طَرَحَهَا أَلْفُ كَاتِبٍ أَصْبَحَتْ أَلْفَ فِكْرَةٍ.

و گمان نمی کنم که کتاب های تکراری وجود داشته باشد، زیرا من اعتقاد دارم (بر این باورم) که یک اندیشه (ایده) را اگر هزار نویسنده مطرح کنند، هزار اندیشه (ایده) می شود.

وَلَا (حرف، منفی، غير عامل) أَظُنُّ (فعل، مضارع، للمتكلم وحده، ثلاثی مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «أنا») أَنَّ ( حرف، مشبهه بالفعل، عامل) هُنَاكَ ( اسم، اشاره ی مکانی، معرفه به اسم اشاره / خبر مقدم أَنْ) كِتَابًا ( اسم، جمع، مكسر «تکسیر» ومفرده «كتاب» وهو مذكر، نکره / اسم مؤخر «إِنَّ») مُكَرَّرَةً، ( اسم، مفرد، مؤنث، نکره / صفت مفرد) لِ (حرف، جر، عامل) أَنَّهُ ( حرف، مشبهه بالفعل، عامل) ي ( اسم / ضمیر متصل، للمتكلم وحده، معذفه به «ضمیر» / اسم «أَنْ») أَعْتَقَدُ (فعل، مضارع، للمتكلم وحده، ثلاثی مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «أنا») أَنَّ ( حرف، مشبهه بالفعل، عامل) الْفِكْرَةَ، ( اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال» / اسم أَنْ) الْوَاحِدَةَ، ( اسم، مفرد، مؤنث، اسم فاعل گروه اول، معرفه به «ال» / صفت مفرد) إِذَا ( اسم / ادات شرط، غير عامل / قيد) طَرَحَ (فعل، ماضی، للغائب، ثلاثی مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله «الف» از نوع اسم ظاهر) هَا ( اسم / ضمیر متصل، للغائبه، معرفه به ضمیر / مفعول) أَلْفُ ( اسم، مفرد، مذكر، نکره / فاعل از نوع اسم ظاهر) كَاتِبٍ، ( اسم، مفرد، مذكر، اسم فاعل گروه اول، / مضاف اليه) أَصْبَحَتْ ( افعال ناقصه، للغائب، ثلاثی مجرد / افعال ناقصه واسمه ضمیر مستتر «هی» ) أَلْفٍ ( اسم، مفرد، مذكر، نکره / خبر «اصبحت» ) فِكْرَةٍ، ( اسم، مفرد، مؤنث، نکره / مضاف اليه)

وَلِهَذَا أُرِيدُ أَنْ أَقْرَأَ فِي الْمَوْضُوعِ الْوَاحِدِ آراءَ عِدَّةٍ كِتَابٍ،

و برای همین می‌خواهم که در یک موضوع نظرهای چند نویسنده را بخوانم.

وَلِ (حرف، جر، عامل) هَذَا (اسم، اشاره للقریب، مفرد، مذکر، معرفه به «اسم اشاره» / مجرور به حرف جر) أُرِيدُ (فعل، مضارع، للمتكلم وحده، ثلاثی مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «أنا») أَنْ (حرف، ناصبه، عامل) أَقْرَأَ (فعل، مضارع، للمتكلم وحده، ثلاثی مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «أنا») فِي (حرف، جر، عامل) الْمَوْضُوعِ (اسم، مفرد، مذکر، اسم مفعول گروه اول، معرفه به «ال» / صفت مفرد) آراءَ (اسم، جمع، مکسر «تکسیر» و مفرد «رأى» و هو مذکر، نکره / مفعول) عِدَّةٍ (اسم، مفرد، مؤنث، نکره / مضاف الیه) كِتَابٍ، (اسم، جمع، مکسر «تکسیر» و مفرد «کاتب» و هو مذکر، اسم فاعل گروه اول، نکره / مضاف الیه)

لِأَنَّ هَذَا الْعَمَلَ أَمْتَعٌ وَأَنْفَعُ مِنْ قِرَاءَةِ الْمَوْضُوعَاتِ الْمُتَعَدَّةِ، (فَمَثَلًا أَقْرَأُ فِي حَيَاةِ «نَابِلْيُون» آراءَ ثَلَاثِينَ كَاتِبًا،

زیرا این کار از خواندن موضوعات گوناگون لذت بخش‌تر و سودمندتر است، بطور مثال در زندگی ناپلئون نظرات سی نویسنده را می‌خوانم.

لِ (حرف، جر، عامل) أَنْ (حرف، مشبهة بالفعل، عامل) هَذَا (اسم، اشاره للقریب، مفرد، مذکر، معرفه به «اسم اشاره» / اسم «أَنَّ») الْعَمَلَ (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / تابع اسم اشاره) أَمْتَعُ (اسم، مفرد، مذکر، اسم تفضیل، نکره / خبر «أَنَّ») وَ (حرف، عطف، غیر عامل) أَنْفَعُ (اسم، مفرد، مذکر، اسم تفضیل، نکره / معطوف) مِنْ (حرف، جر، عامل) قِرَاءَةِ (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «اضافه» / مجرور به حرف جر) الْمَوْضُوعَاتِ (اسم، جمع، مؤنث، سالم، اسم مفعول گروه اول، معرفه به «ال» / مضاف الیه) الْمُتَعَدَّةِ، (اسم، مفرد، مؤنث، اسم فاعل گروه دوم، معرفه به «ال» / صفت مفرد) فَمَثَلًا أَقْرَأُ (فعل، مضارع، للمتكلم وحده، ثلاثی مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «أنا») فِي (حرف، جر، عامل) حَيَاةِ (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «اضافه» / مجرور به حرف جر) «نَابِلْيُون» (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «علم» / مضاف الیه) آراءَ (اسم، جمع، مکسر «تکسیر» و مفرد «رأى» و هو مذکر، نکره / مفعول) ثَلَاثِينَ (اسم، جمع، مذکر، سالم، نکره / مضاف الیه) كَاتِبًا، (اسم، مفرد، مذکر، ایم فاعل گروه اول، نکره / تمیز از بحث ما خارج است)

وَأَنَا وَاثِقٌ أَنْ كُلَّ كَاتِبٍ قَدْ وَصَفَ نَابِلْيُونَ بِأَوْصَافٍ لَا تُشْبِهُ أَوْصَافَ الْكُتَّابِ الْآخَرِينَ.

و من مطمئنم که هر نویسنده‌ای ناپلئون را به صفت‌هایی وصف کرده که شبیه صفت‌های نویسندگان دیگر نیست.

وَأَنَا (اسم / ضمیر منفصل، للمتكلم وحده، معرفه به ضمیر / مبتدا) وَاثِقٌ (اسم، مفرد، مذکر، اسم فاعل گروه اول، نکره / خبر از نوع مفرد) أَنْ (حرف، مشبهة بالفعل، عامل) كُلَّ (اسم، مفرد، مذکر، نکره / اسم «أَنَّ») كَاتِبٍ (اسم، مفرد، مذکر، نکره / مضاف الیه) قَدْ

(حرف، تحقیق، غیر عامل) وَصَفَ (فعل، ماضی، للغائب، ثلاثی مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هو» - خیر  
 أَنْ) نَابِلِيون (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «علم» / مفعول) بِ (حرف، جر، عامل) وَأُوصَافٍ (اسم، جمع، مکسر «تکسیر» و مفرده  
 «وصف» و هو مذکر، نکره / مجرور به حرف جر) لَا (حرف، منفی، غیر عامل) تُشَبِّهُ (فعل، مضارع، للغائب، ثلاثی مزید در باب  
 افعال، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هو» - صفت جمله) وَأُوصَافٍ (اسم، جمع، مکسر «تکسیر» و مفرده  
 «وصف» و هو مذکر، معرفه به «اضافه» / مفعول) الْكِتَابِ (اسم، جمع، مکسر «تکسیر» و مفرده «کتاب» و هو مذکر، اسم فاعل گروه  
 اول، معرفه به «ال» / مضاف الیه) الْآخِرِينَ (اسم، جمع، مذکر، سالم، اسم تفضیل، معرفه به «ال» / صفت مفرد)

فَرُبَّ كِتَابٍ يُجْتَهَدُ الْقَارِئُ فِي قِرَاءَتِهِ، ثُمَّ لَا يَخْرُجُ مِنْهُ بِفَائِدَةٍ، وَرُبَّ كِتَابٍ يَتَصَفَّحُهُ قَارِئُهُ؛ فَيُؤَثِّرُ فِي نَفْسِهِ تَأْثِيرًا عَمِيقًا يَظْهَرُ فِي  
 آرَائِهِ. پس چه بسا کتابی که خواننده در خواندن آن سخت تلاش کند، سپس بهره‌ای از آن نبرد، و چه بسا کتابی که خواننده‌اش  
 آن را سریع مطالعه کند (ورق می‌زند)؛ اما تأثیری ژرف در روح او در می‌گذارد که در اندیشه‌هایش آشکار می‌شود.

فَرُبَّ (حرف، جر، عامل) كِتَابٍ (اسم، مفرد، مذکر، نکره / مجرور به حرف جر) يَجْتَهَدُ (فعل، مضارع، للغائب، ثلاثی مزید در باب  
 افعال، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله «القارئ» از نوع اسم ظاهر) الْقَارِئِ (اسم، مفرد، مذکر، اسم فاعل گروه اول، معرفه به  
 «ال» / فاعل از نوع اسم ظاهر) فِي (حرف، جر، عامل) قِرَاءَةٍ (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر) هِ (اسم / ضمیر  
 متصل، للغائب، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) ثُمَّ (حرف، عطف، غیر عامل) لَا (حرف، منفی، غیر عامل) يَخْرُجُ (فعل، مضارع،  
 للغائب، ثلاثی مجرد، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هو» / مِنْ (حرف، جر، عامل) هِ (اسم / ضمیر متصل، للغائب،  
 معرفه به ضمیر / مجرور به حرف جر) بِ (حرف، جر، عامل) فَائِدَةٍ (اسم، مفرد، مؤنث، نکره / مجرور به حرف جر) وَرُبَّ (حرف،  
 جر، عامل) كِتَابٍ (اسم، مفرد، مذکر، نکره / مجرور به حرف جر) يَتَصَفَّحُ (فعل، مضارع، للغائب، ثلاثی مزید در باب تفعّل، متعدی،  
 معلوم / جمله فعلیه و فاعله «قارئ» از نوع اسم ظاهر) هِ (اسم / ضمیر متصل، للغائب، معرفه به ضمیر / مفعول) قَارِئٍ (اسم، مفرد،  
 مذکر، اسم فاعل گروه اول، معرفه به اضافه / فاعل از نوع اسم ظاهر)؛ فَ (حرف، عطف، غیر عامل) يُؤَثِّرُ (فعل، مضارع، للغائب،  
 ثلاثی مزید در باب تفعّل، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هو» / فِي (حرف، جر، عامل) نَفْسٍ (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به  
 «اضافه» / مجرور به حرف جر) هِ (اسم / ضمیر متصل، للغائب، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) تَأْثِيرًا (اسم / مصدر، مفرد، مذکر، نکره /  
 مفعول مطلق نوعی «بیانی» ) عَمِيقًا (اسم / مفرد، مذکر، نکره / صفت مفرد) يَظْهَرُ (فعل، مضارع، للغائب، ثلاثی مجرد، لازم،  
 معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هو» - صفت جمله) فِي (حرف، جر، عامل) آراءِ (اسم، جمع، مکسر «تکسیر» و مفرده  
 «الرأی» و هو مذکر، معرفه به اضافه / مجرور به حرف جر) هِ (اسم / ضمیر متصل، للغائب، معرفه به ضمیر / مضاف الیه)

أَمَّا الْكِتَابُ الْمُفِيدُ فَهُوَ الَّذِي يَزِيدُ مَعْرِفَتَكَ فِي الْحَيَاةِ وَقَوَّتَكَ عَلَى الْفَهْمِ وَالْعَمَلِ، فَإِذَا وَجَدْتَ ذَلِكَ فِي كِتَابٍ، كَانَ جَدِيرًا بِالْعِنَايَةِ  
 وَالتَّقْدِيرِ.

اما کتاب مفید کتابی است که شناخت تو را در زندگی و توان تو را بر فهمیدن و عمل کردن افزایش دهد، و اگر آن را در کتابی یافتی، آن شایان توجه و قدردانی (تعریف) است.

**أَمَّا** در اصل «مهما یکن من شیء» بوده از بحث ما خارج است یعنی جز ادات شرط است)) **الْكِتَابُ** ( اسم / مصدر باب مفاعلة، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مبتدا) **الْمُفِيدُ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / صفت مفرد) **فَ** ( حرف ، جواب شرط، غیر عامل) **هُوَ** (اسم / ضمیر متنفصل، للغائب، معرفه به ضمیر / مبتدا) **الَّذِي** (اسم ، موصول، مفرد، مذکر، معرفه به موصول / خبر از نوع مفرد - جمله «هو الذی» خبر برای «الکتاب» ) **يَزِيدُ** ( فعل، مضارع، للغائب، ثلاثی مجرد، متعدی ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هو» ) **مَعْرِفَةٌ** (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «اضافه» / مفعول) **كَ** (اسم، / ضمیر متصل، للمخاطب، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) **فِي** ( حرف جر، عامل) **الْحَيَاةِ** (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر) **وَ** (حرف، عطف، غیر عامل) **قُوَّةٌ** (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «اضافه» / معطوف) **كَ** (اسم، / ضمیر متصل، للمخاطب، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) **عَلَى** ( حرف جر، عامل) **الْفَهْمِ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر) **وَ** (حرف، عطف، غیر عامل) **الْعَمَلِ**، (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / معطوف) **فَإِذَا** ( اسم / ادات شرط، غیر عامل) **وَجَدْتَ** (فعل ، ماضی، للمخاطب، ثلاثی مزید، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر بارز متصل «ت» - فعل شرط) **ذَلِكَ** (اسم، اشاره، للبعید، مفرد، مذکر، معرفه به اسم اشاره / مفعول) **فِي** ( حرف جر، عامل) **كِتَابٍ**، (اسم / مصدر باب مفاعلة، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر) **كَانَ** ( افعال ناقصه، ماضی، للغائب، ثلاثی مجرد / افعال ناقصه واسمه ضمیر مستتر «هو» ) **جَدِيرًا** (اسم، مفرد، مذکر، نکره / خبر «کان» از نوع مفرد) **بِ** (حرف جر، عامل) **الْعِنَايَةِ** (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر) **وَ** (حرف، عطف، غیر عامل) **التَّقْدِيرِ** (اسم / مصدر، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / معطوف).

العقّادُ أديبٌ و صحفِيٌّ و مفكّرٌ و شاعرٌ مصريٌّ؛ أمّه من أصلٍ كُردِيٍّ.

عقّاد ادیب (نویسنده) و روزنامه‌نگار و اندیشمند و شاعری مصری است؛ مادرش از نژاد کرد است (اصالتی کردی دارد).

**العقّادُ** (اسم، مفرد، مذکر، اسم مبالغه، معرفه به «ال» / مبتدا) **أديبٌ** (اسم، مفرد، مذکر، نکره / خبر از نوع مفرد) **وَ** (حرف ، عطف، غیر عامل) **صحفِيٌّ** (اسم، مفرد، مذکر، نکره / معطوف) **وَ** (حرف، عطف، غیر عامل) **مفكّرٌ** (اسم، مفرد، مذکر، اسمفاعل گروه دوم، نکره / معطوف) **وَ** (حرف، عطف، غیر عامل) **شاعرٌ** (اسم، مفرد، مذکر، اسم فاعل گروه اول، نکره / معطوف) **مصريٌّ**؛ (اسم، مفرد، مذکر، نکره / صفت مفرد) **أمٌّ** (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «اضافه» / مبتدا) **ه** (اسم / ضمیر متصل، للغائب، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) **من** (حرف، جر، عامل) **أصلٍ** (اسم، مفرد، مذکر، نکره / مجرور به حرف جر - من اصل خبر از نوع جار و مجرور) **كُردِيٍّ** . (اسم، مفرد، مذکر، نکره / صفت مفرد)

فكانَ العقّادُ لا يرى الجمالَ إلّا الحرّيّةَ؛ و لهذا لأنشاهدُ في حياتِهِ إلّا النشاطَ على رَغَمِ ظُروفِهِ القاسيةِ.

عقّاد زیبایی را فقط در آزادی می‌دید (عقّاد زیبایی را در چیزی به جز آزادی نمی‌دید)؛ و برای همین در زندگی‌اش با وجود شرایط دشوارش فقط شادابی (فعالیّت) می‌بینم. یا (با وجود شرایط سخت و دشوارش چیزی به جز نشاط نمی‌بینم).

**فَكَانَ** (افعال ناقصه، ماضی، للغائب، ثلاثی مجرد / افعال ناقصه واسمه «العقّاد» از نوع اسم ظاهر) **العقّاد** (اسم، مفرد، مذکر، اسم مبالغة، معرفة به «ال» / اسم «كان» از نوع اسم ظاهر) **لا** (حرف، منفی، غیر عامل) **بِرَى** (فعل، مضارع، للغائب، ثلاثی مجرد، متعدی، معلوم، / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هو» - خبر «كان») **الجمال** (اسم، مفرد، مذکر، معرفة به «ال» / مفعول اول) **إِنَّا** (ادات، حصر، غیر عامل) **الحرية**؛ (اسم، مفرد، مؤنث، معرفة به «ال» / مستثنی ناقص و مفعول دوم) **وَل** (حرف، جر، عامل) **هذا** (اسم، اشاره، للقریب، مفرد، مذکر، معرفة به اسم اشاره / مجرور به حرف جر) **لا** (حرف، منفی، غیر عامل) **نُشاهدُ** (فعل، مضارع، امتکلم مع الغیر، ثلاثی مزید در باب مفاعلة، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «نحن») **فی** (حرف، جر، عامل) **حياة** (اسم، مفرد، مؤنث، معرفة به «اضافه» / مجرور به حرف جر) **ه** (اسم / ضمیر متصل، للغائب، معرفة به ضمیر / مضاف الیه) **إِنَّا** (ادات، حصر، غیر عامل) **النشاط** (اسم، مفرد، مذکر، معرفة به «ال» / مستثنی ناقص) **علی** (حرف، جر، عامل) **رغم** (اسم، مفرد، مذکر، معرفة به «اضافه» / مجرور به حرف جر) **ظروف** (اسم، جمع، مکسر «تکسیر» و مفرد «الضرف» و هو مذکر، معرفة به «اضافه» / مضاف الیه) **ه** (اسم / ضمیر متصل، للغائب، معرفة به ضمیر / مضاف الیه) **انقاسية**. (اسم، مفرد، مؤنث، اسم فاعل گروه اول، معرفة به «ال» صفت مفرد)

يُقَالُ إِنَّهُ قَرَأَ آلاَفَ الْكُتُبِ. وَ هُوَ مِنْ أَهَمِّ الْكُتَابِ فِي مِصْرَ. فَقَدْ أَضَافَ إِلَى الْمَكْتَبَةِ الْعَرَبِيَّةِ أَكْثَرَ مِنْ مِئَةِ كِتَابٍ فِي الْمَجَالَاتِ الْمُخْتَلِفَةِ.

گفته می‌شود که او هزاران کتاب خوانده است. و او از مهم‌ترین نویسندگان در مصر است. بی‌گمان او بیش از صد کتاب در زمینه‌های مختلف به کتابخانه عربی افزوده است.

**يُقَالُ** (فعل، مضارع، للغائب، ثلاثی مجرد، متعدی، مجهول / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هو») **إِنَّ** (حرف مشبهة بالفعل، عامل) **ه** (اسم / ضمیر متصل، للغائب، معرفة به ضمیر / اسم **إِنَّ** قرأ) فعل، ماضی، للغائب، ثلاثی مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هو» - خبر «إِنَّ» **آلاف** (اسم، جمع، مکسر «تکسیر» و مفرد «الالف» و هو مذکر، معرفة به «اضافه» / مفعول) **الكتب** (اسم، جمع، مکسر «تکسیر» و مفرد «الكتاب» و هو مذکر، معرفة به «ال» / مضاف الیه). **و** (حرف، ابتدا، غیر عامل) **هو** (اسم / ضمیر منفصل، للغائب، معرفة به ضمیر / مبتدا) **مِنْ** (حرف، جر، عامل) **أهم** (اسم، مفرد، مذکر، اسم تفضیل، معرفة به «اضافه» / مجرور به حرف جر) **الكتاب** (اسم، جمع، مکسر، و مفرد «الکتاب» و هو مذکر، اسم فاعل گروه اول، معرفة به «ال» / مضاف الیه) **فی** (حرف، جر، عامل) **مصر** (اسم، مفرد، مؤنث، معرفة به «علم» / مجرور به حرف جر). **فقد** (حرف، تحقیق، غیر عامل) **أضاف** (فعل، ماضی، للغائب، ثلاثی مزید در باب إفعال، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هو») **إلى** (حرف،



جر، عامل) **الْمَكْتَبَةِ** (اسم، مفرد، مؤنث، اسم مکان، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر) **العَرَبِيَّةِ** (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال» / صفت مفرد) **أَكْثَرَ** (اسم، مفرد، مذکر، اسم تفضیل، نکره / مفعول) **مِنْ** (حرف، جر، عامل) **مِثَّةٍ** (اسم، مفرد، «مؤنث، نکره / مجرور به حرف جر) **كِتَابٍ** (اسم، مصدر، مفرد، مذکر، نکره / مضاف الیه) **فِي** (حرف، جر، عامل) **الْمَجَالَاتِ** (اسم، جمع، مؤنث، سالم، اسم مکان، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر) **الْمُخْتَلَفَةِ** (اسم، مفرد، مؤنث، اسم فاعل گروه دوم، معرفه به «ال» / صفت مفرد)

ما دَرَسَ الْعَقَادُ إِلَّا فِي الْمَرْحَلَةِ الْأَبْتَدَائِيَّةِ، لِعَدَمِ وُجُودِ مَدْرَسَةٍ ثَانَوِيَّةٍ فِي مُحَافِظَةِ أَسْوَانَ الَّتِي وُلِدَ وَنَشَأَ فِيهَا.

عقّاد به دلیل نبودن (بخاطر عدم وجود) دبیرستان در استان اسوان که در آن متولد شد و پرورش یافت، فقط در مرحله دبستان (ابتدایی) درس خوانده است.

ما (حرف، منفی، غیر عامل) **دَرَسَ** (فعل، ماضی، للغائب، ثلاثی مجرد، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله «الْعَقَادُ» از نوع اسم ظاهر) **الْعَقَادُ** (اسم، مفرد، مذکر، اسم مبالغة، معرفه به «ال» / فاعل از نوع اسم ظاهر) **إِلَّا** (ادات، حصر، غیر عامل) **فِي** (حرف، جر، عامل) **الْمَرْحَلَةِ** (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر) **الْأَبْتَدَائِيَّةِ** (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال» / صفت مفرد)، **لِ** (حرف، جر، عامل) **عَدَمِ** (اسم، مفرد، مذکر، نکره / مجرور به حرف جر) **وُجُودِ** (اسم، مفرد، مذکر، نکره / مضاف الیه) **مَدْرَسَةٍ** (اسم، مفرد، مؤنث، اسم مکان، نکره / مضاف الیه) **ثَانَوِيَّةٍ** (اسم، مفرد، مؤنث، نکره / صفت مفرد) **فِي** (حرف، جر، عامل) **مُحَافِظَةِ** (اسم، مصدر، مفرد، مؤنث، معرفه به «اضافه» / مجرور به حرف جر) **أَسْوَانَ** (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «علم» / مضاف الیه) **الَّتِي** (اسم، موصول، مفرد، مؤنث، معرفه به موصول / صفت مفرد) **وُلِدَ** (فعل، ماضی، للغائب، ثلاثی مجرد، متعدی، مجهول / جمله فعلیه و نائب فاعله ضمیر مستتر «هو») **وَ** (حرف، عطف، غیر عامل) **نَشَأَ** (فعل، ماضی، للغائب، ثلاثی مجرد، جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هو») **فِي** (حرف، جر، عامل) **هَا** (اسم، ضمیر متصل للغائبة، معرفه به ضمیر / مجرور به حرف جر)

وَمَا اسْتَطَاعَتْ أُسْرَتُهُ أَنْ تُرْسِلَهُ إِلَى الْقَاهِرَةِ لِتَكْمِيلِ الدِّرَاسَةِ.

و خانواده‌اش نتوانست که برای تکمیل تحصیلاتش او را به قاهره بفرستند.

وَمَا (حرف، منفی، غیر عامل) **اسْتَطَاعَتْ** (فعل، ماضی، للغائبة، ثلاثی مزید در باب استفعال، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله «اسرة» از نوع اسم ظاهر) **أُسْرَتُهُ** (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به اضافه) / فاعل از نوع اسم ظاهر) **أَنْ** (حرف، ناصبه، عامل) **تُرْسِلَهُ** (فعل، مضارع، للغائبة، ثلاثی مزید در باب إفعال، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هو») **إِلَى** (حرف، جر، عامل) **الْقَاهِرَةِ** (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «علم» / «ال» / مجرور به حرف جر) **لِ** (حرف، جر، عامل) **تَكْمِيلِ** (اسم، مصدر، مفرد، مذکر، معرفه به «اضافه» / مجرور به حرف جر) **دِرَاسَةِ** (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به اضافه) / مضاف الیه) **هِيَ** (اسم / ضمیر متصل للغائب، معرفه به ضمیر / مضاف الیه)

فَمَا اعْتَمَدَ الْعَقَادُ إِلَّا عَلَى نَفْسِهِ. فَقَدْ تَعَلَّمَ الْإِنْجِلِيزِيَّةَ مِنَ السِّيَاحِ الَّذِينَ كَانُوا يَأْتُونَ إِلَى مِصْرَ لزيارةِ الأثارِ التَّارِيخِيَّةِ.

پس عقاد تنها به خودش تکیه کرد. (عقاد به کسی جز خودش تکیه نکرد). پس انگلیسی را از جهانگردانی (گردشگرانی) که برای دیدن آثار تاریخی به مصر می آمدند، یاد گرفت.

فَمَا (حرف، منفی، غیر عامل) اعْتَمَدَ (فعل، ماضی، للغائبه، ثلاثی مزید در باب افتعال، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله «العقاد» از نوع اسم ظاهر) الْعَقَادُ (اسم، مفرد، مذکر، اسم مبالغه، معرفه به «ال» / فاعل از نوع اسم ظاهر) إِلَّا (حرف، حصر، غیر عامل) عَلَى (حرف جر، عامل) نَفْسِ (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به اضافه / مجرور به حرف جر) هِ. اسم / ضمیر متصل، للغائب، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) فَقَدْ (حرف، تحقیق، غیر عامل)، تَعَلَّمَ (فعل، ماضی، للغائب، ثلاثی مزید در باب تَفَعَّل، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هو» ) الْإِنْجِلِيزِيَّةَ (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال» / مفعول) مِنْ (حرف جر، عامل) السِّيَاحِ (اسم، جمع، مکسر «تکسیر» و مفرد «السائح» وهو مذکر، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر) الَّذِينَ (اسم موصول، جمع مذکر، معرفه به موصول / صفت مفرد) كَانُوا (افعال ناقصه، ماضی، للغائب، ثلاثی مجرد / افعال ناقصه واسمه «ضمیر بارز متصل «واو» ) يَأْتُونَ (فعل، مضارع، للغائبین، ثلاثی مجرد، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر بارز متصل «واو» - خبر «کان» ) إِلَى (حرف جر، عامل) مِصْرَ (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «علم» / مجرور به حرف جر) لِ (حرف جر، عامل) زيارَةَ (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «اضافه» / مجرور به حرف جر) الأثارِ (اسم، جمع، مکسر «تکسر». مفرد «الاثر» وهو مذکر، معرفه به «ال» / مضاف الیه) التَّارِيخِيَّةِ. (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال» / صفت مفرد)

المُعْجَمَ: اسم، مفرد، مذکر، اسم مفعول گروه دوم، معرفه به «ال» / ...

أضاف: افزود

(مضارع: يُضِيفُ / مصدر: إضافة)

أغنى: بی نیاز

(مضارع: يُغْنِي / مصدر: إغناء)

أغناه عنه: او را از آن بی نیاز کرد.

الأمّتع: لذت بخش تر

التَّحْدِيدَ: محدود کردن

(ماضی: حَدَدَ / مضارع: يُحَدِّدُ)

تَصَفَّحَ: ورق زد، سریع مطالعه کرد

الغائويّة: دبیرستان

الْجَدِير: شایسته

الصَّحْفَى: روزنامه‌نگار

الظُّرُوف: شرایط «مفرد: الظُّرْف»

الْقَاسَى: سخت و دشوار

الْكُتَّاب: نویسندگان «مفرد: الْكَاتِب»

الْمَجَالَات: زمینه‌ها «مفرد: الْمَجَال»

الْمُفَكِّر: اندیشمند

نَشَأَ -: پرورش یافت

الْوَاتِق: مطمئن

هُنَاكَ: وجود دارد، آنجا

يُقَالُ: گفته می‌شود «مجهول يَقُولُ»

حَوْلَ النَّصِّ: پیرامون متن

حَوْلَ (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «اضافه»/ قید) النَّصِّ (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال»/ مضاف الیه)

أ. عَيْنِ الصَّحِيحِ وَالْخَطَأِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ. درست و نادرست را بر اساس متن درس مشخص کن

عَيْنِ (فعل، امر، للمخاطب، ثلاثی مزید در باب تفعیل، متعدی، معلوم/ جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «انت») الصَّحِيحِ (اسم، مفرد،

مذکر، معرفه به «ال»/ مفعول) و (حرف، عطف، غیر عامل) الْخَطَأِ (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال»/ معطوف) حَسَبَ (اسم،

مفرد، مذکر، معرفه به «اضافه»/ قید) نَصِّ (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال»/ مضاف الیه) الدَّرْسِ (اسم، مفرد، مذکر،

معرفه به «ال»/ مضاف الیه)

۱- دَرَسَ الْعَقَادُ فِي جَامِعَةِ أَنْقَرَةَ وَحَصَلَ عَلَى دُكْتُورَاهِ فَخْرِيَّةٍ مِنْهَا. نادرست

عَقَادُ در دانشگاه آنکارا درس خواند و از آن [دانشگاه] دکترای افتخاری به دست آورد.

**دَرَسَ** (فعل، ماضی، للغائب، ثلاثی مجرد، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله «الْعَقَادُ» از نوع اسم ظاهر) **الْعَقَادُ** (اسم، مفرد، مذکر، اسم مبالغة، معرفه به «ال» / فاعل از نوع اسم ظاهر) **فی** (حرف، جر، عامل) **جامِعَةً** (اسم، مفرد، مؤنث، اسم فاعل گروه اول، معرفه به «اضافه» / مجرور به حرف جر) **أَنْقَرَةً** (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «علم» / مضاف الیه) **وَ** (حرف، عطف، غیر عامل) **حَصَلَ** (فعل، ماضی، للغائب، ثلاثی مجرد، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هو») **عَلَى** (حرف، جر، عامل) **دُكْتُورَاهُ** (اسم، مفرد، مؤنث، نکره / مجرور به حرف جر) **فَخَرِيَّةٌ** (اسم، مفرد، مؤنث، نکره / صفت مفرد) **مِنْ** (( حرف، جر، عامل) **ها**. (اسم / ضمیر متصل، للغائبة، معرفه به ضمیر)

۲- رَبُّ كِتَابٍ تَجْتَهِدُ فِي قِرَائَتِهِ، ثُمَّ لَا تَحْصُلُ عَلَيَّ فَائِدَةٌ مِنْهُ. **درست**

چه بسا کتابی که در خواندن آن تلاش کنی (تلاش می کنی)، بعد فایده ای از آن به دست نیآوری (نمی آوری).

**رَبُّ** (حرف، جر، عامل) **كِتَابٍ** (اسم، مفرد، مذکر، نکره / مجرور به حرف جر) **تَجْتَهِدُ** (فعل، مضارع، للمخاطب، ثلاثی مزید در باب إفتعال، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «انت») **فِي** (حرف، جر، عامل) **قِرَاءَةٍ** (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر) **هَ،** (اسم / ضمیر متصل، للغائب، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) **ثُمَّ** (حرف، عطف، غیر عامل) **لَا** (حرف، منفی، غیر عامل) **تَحْصُلُ** (فعل، مضارع، للمخاطب، ثلاثی مجرد، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «انت») **عَلَى** (حرف، جر، عامل) **فَائِدَةٍ**. (اسم، مفرد، مؤنث، نکره / مجرور به حرف جر) **مِنْ** (حرف، جر، عامل) **هَ،** (اسم / ضمیر متصل، للغائب، معرفه به ضمیر / مجرور به حرف جر)

۳- أَلَكْتُبُ تَجَارِبُ آلَافِ الْعُلَمَاءِ عَلَيَّ مَرَّ السَّنِينَ. **درست**

کتابها تجربه های هزاران دانشمند در گذر سالهاست.

**أَلَكْتُبُ** (اسم، جمع، مکسر «تکسیر» و مفرده «الکتاب» و هو مذکر، معرفه به «ال» / مبتدا) **تَجَارِبُ** (اسم، جمع، مکسر «تکسیر» و مفرده «التجربة» و هو مؤنث، معرفه به «اضافه» / خبر از نوع مفرد) **آلَافِ** (اسم، جمع، مکسر «تکسیر» و مفرده «الالف» و هو مؤنث، معرفه به «اضافه» / مجرور به حرف جر) **الْعُلَمَاءِ** (اسم، جمع، مکسر «تکسیر» و مفرده «العلم» و هو مذکر، معرفه به «ال» / مضاف الیه) **عَلَى** (حرف، جر، عامل) **مَرَّ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «اضافه» / مجرور به حرف جر) **السَّنِينَ**. (اسم، جمع، مذکر، سالم، و مفرده «السنة» معرفه به «ال» / مضاف الیه)

۴- تَحْدِيدُ قِرَاءَةِ الْكُتُبِ نَافِعٌ فِي رَأْيِ الْكَاتِبِ. **نادرست**

از نظر نویسندگان، محدود کردن خواندن کتاب‌ها مفید است.

**تَحْدِيدُ** (اسم/مصدر، مفرد، مذکر، معرفه به «اضافه»/ مبتدا) **قِرَاءَةُ** (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «اضافه»/ مضاف الیه) **الْكَتُبِ** (اسم، جمع، مکسر «تکسیر» و مفرد «الکتاب» و هو مذکر، معرفه به «ال»/ مبتدا) **نَافِعٌ** (اسم، مفرد، مذکر، اسم فاعل گروه اول، نکره/ خبر از نوع مفرد) **فِي** (حرف، جر، عامل) **رَأَى** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «اضافه»/ مجرور به حرف جر) **الْكَاتِبِ** (اسم، مفرد، مذکر، اسم فاعل گروه اول، معرفه به «ال»/ مضاف الیه)

۵- **يَعْتَقِدُ الْعَقَادُ أَنَّ الْجَمَالَ جَمَالُ الْحُرِّيَّةِ**. درست

عقاد اعتقاد دارد که زیبایی، زیبایی آزادی است.

**يَعْتَقِدُ** (فعل، مضارع، للغائب، ثلاثی مزید در باب إفتعال، لازم، معلوم/ جمله فعلیه و فاعله «الْعَقَادُ» از نوع اسم ظاهر) **الْعَقَادُ** (اسم، مفرد، مذکر، اسم مبالغه، معرفه به «ال»/ فاعل از نوع اسم ظاهر) **أَنَّ** (حرف، مشبّهة بالفعل، عامل) **الْجَمَالَ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال»/ «اسم أن») **جَمَالٌ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «اضافه»/ **الْحُرِّيَّةِ** (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال»/ مضاف الیه)

۶- **لَا طَعَامَ لِفِكْرِ الْإِنْسَانِ**. نادرست

هیچ خوراکی برای اندیشه انسان نیست.

**لَا** (حرف، نفی جنس، عامل) **طَعَامٌ** (اسم، مفرد، مذکر، نکره،/ اسم «لا») **لِ** (حرف، جر، عامل) **فِكْرٍ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «اضافه»/ مجرور به حرف جر) **الْإِنْسَانِ**. (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال»/ مضاف الیه)

ب. أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ. براساس متن زیر به سوالات پاسخ بده:

۱- **لِمَاذَا لَمْ يُوَصَلِ الْعَقَادُ دِرَاسَتَهُ فِي الْمَدْرَسَةِ الثَّانَوِيَّةِ؟** چرا عقاد تحصیلات خود را در مدرسه متوسطه ادامه نداد؟

**جواب:** لَمْ يُوَصَلِ الْعَقَادُ دِرَاسَتَهُ لِعَدَمِ وُجُودِ مَدْرَسَةِ ثَانَوِيَّةٍ فِي مَحَافِظَةِ أَسْوَانَ الَّتِي وُلِدَ وَنَشَأَ فِيهَا.

**لِ** (حرف، جر، عامل) **مَاذَا** (اسم، پرسشی، نکره،/ مجرور به حرف جر) **لَمْ** (حرف، جزم، عامل) **يُوَصَلِ** (فعل، مضارع، للغائب، ثلاثی مزید در باب مفاعلة، متعدی، معلوم/ جمله فعلیه و فاعله «الْعَقَادُ» از نوع اسم ظاهر) **الْعَقَادُ** (اسم، مفرد، مذکر، اسم مبالغه، معرفه به «ال»/ فاعل از نوع اسم ظاهر) **دِرَاسَةَ** (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «اضافه»/ مفعول) **هِيَ** (اسم/ ضمیر متصل، للغائب، معرفه به ضمیر/ مضاف الیه) **فِي** (حرف، جر، عامل)، **الْمَدْرَسَةَ** (اسم، مفرد، مؤنث، اسم مکان، معرفه به «ال»/ مجرور به حرف جر) **الثَّانَوِيَّةِ** (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال»/ صفت مفرد)

۲- بای شئی شَبَهَ الْعَقَادُ التَّحْدِيدَ فِي اخْتِيَارِ الْكُتُبِ؟ عَقَادٌ مَحْدُودٌ كَرْدَنِ اخْتِيَابِ كِتَابِهَا رَا بَه چَه چِيزِي شَبِيه كَرْدَه اسْت؟

**جواب:** شَبَهَ الْعَقَادُ التَّحْدِيدَ فِي اخْتِيَارِ الْكُتُبِ بِالْتَّحْدِيدِ فِي اخْتِيَارِ الطَّعَامِ.

**ب** (حرف، جر، عامل، (أى) اسم، پرسشی، نکره، / مجرور به حرف جر) **شئی** (اسم، مفرد، مذکر، نکره، / مضاف الیه) **شَبَهَ** ( فعل، ماضی، للغائب، ثلاثی مزید در باب تفعیل، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله «الْعَقَادُ» الْعَقَادُ (اسم، مفرد، مذکر، اسم مبالغة، معرفه به «ال» / فاعل از نوع اسم ظاهر) التَّحْدِيدُ (اسم / مصدر، مفرد، مذکر، معرفه به «اضافه» / مفعول) فِي (حرف، جر، عامل، ) **اخْتِيَارِ** (اسم، / مصدر، مفرد، مذکر، معرفه به «اضافه» / مجرور به حرف جر) الْكُتُبِ (اسم، جمع، مکسر «تکسیر» و مفرد «الکتاب» و هو مذکر، معرفه به «ال» / مضاف الیه)

۳- كَمْ كِتَابًا أَضَافَ الْعَقَادُ إِلَى الْمَكْتَبَةِ الْعَرَبِيَّةِ؟ عَقَادٌ چَند كِتَابٌ بَه كِتَابْخَانَه عَرَبِي افزود؟

**جواب:** فَقَدْ أَضَافَ إِلَى الْمَكْتَبَةِ الْعَرَبِيَّةِ أَكْثَرَ مِنْ مِئَةِ كِتَابٍ فِي الْمَجَالَاتِ الْمُخْتَلِفَةِ.

**كَمْ** (اسم، پرسشی، نکره / مفعول) **كِتَابًا** (اسم / مصدر باب مفاعلة، مفرد، مذکر، نکره / تمیز از بحث خارج است) **أَضَافَ** (فعل، ماضی، للغائب، ثلاثی مزید در باب إفعال، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله «الْعَقَادُ» از نوع اسم ظاهر) **الْعَقَادُ** (اسم، مفرد، مذکر، اسم مبالغة، معرفه به «ال» / فاعل از نوع اسم ظاهر) **إِلَى** (حرف، جر، عامل) **الْمَكْتَبَةِ** (اسم، مفرد، مؤنث، اسم مکان، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر) **الْعَرَبِيَّةِ** (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال» / صفت مفرد)

۴- مِمَّنْ تَعَلَّمَ الْعَقَادُ اللُّغَةَ الْإِنْجِلِيزِيَّةَ؟ عَقَادٌ زَبَانِ انْگِلِيسِي رَا از چَه كَسِي ياد گَرَفْت؟

**جواب:** فَقَدْ تَعَلَّمَ الْإِنْجِلِيزِيَّةَ مِنَ السِّيَاحِ الَّذِينَ كَانُوا يَأْتُونَ إِلَى مِصْرَ لِزِيَارَةِ الْأَثَارِ التَّارِيخِيَّةِ.

**مِمَّنْ** (حرف، جر، عامل) **مِنَ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به موصول / مجرور به حرف جر - ممن در اصل من + ما «بوده است») **تَعَلَّمَ** (فعل، ماضی، للغائب، ثلاثی مزید در باب تفعُّل، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله «الْعَقَادُ» از نوع اسم ظاهر) **الْعَقَادُ** (اسم، مفرد، مذکر، اسم مبالغة، معرفه به «ال» / فاعل از نوع اسم ظاهر) **اللُّغَةَ** (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال» / مفعول) **الْإِنْجِلِيزِيَّةَ** (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال» / صفت مفرد)

۵- مَا هُوَ مِقْيَاسُ الْكُتُبِ الْمُفِيدَةِ؟ مِيعَارٌ وَ سَنَجَشُ كِتَابِهَاي مَفِيدٌ چِيسْت؟

**جواب:** الْكِتَابُ الْمُفِيدُ هُوَ الَّذِي يَزِيدُ مَعْرِفَتَكَ فِي الْحَيَاةِ وَقَوَّتَكَ عَلَى الْفَهْمِ وَالْعَمَلِ.

ما (اسم، پرسشی، نکره / مبتدا) هوَ (ضمیر منفصل، للغائب، معرفه به ضمیر / نقشی ندارد) مقياسُ (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / خبر از نوع مفرد) الكُتُبِ (اسم، جمع، مکسر «تکسیر» و مفرد «الکتاب» وهو مذکر، معرفه به «ال» / مضاف الیه) المُفِيدَةُ (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال» / صفت مفرد)

ما هي مزايا الجسم القوي؟ مزیت های بدن نیرومند چیست؟

جواب: من مزايا الجسم القوي أنه يجذب غذاءً مناسباً لنفسه.

۶- ما (اسم، پرسشی، نکره / مبتدا) هي (ضمیر منفصل، للغائبة، معرفه به ضمیر / نقشی ندارد) مزايا (اسم، جمع، مکسر «تکسیر» و مفرد «المزية» وهي مؤنث، معرفه به «اضافه» / خبر از نوع مفرد) الجسم (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مضاف الیه) القوي (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / صفت مفرد)

إعلموا بدانید

إعلموا (فعل، امر، للمخاطبين، ثلاثي مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر بارز متصل «واو»

أُسلوبُ الاستثناء: شیوه استثناء

أُسلوبُ (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «اضافه» / خبر برای ابتدایی که حذف شده است) الاستثناء (اسم / مصدر، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مضاف الیه)

به این جمله دقت کنید.

«حَضَرَ الزُّمْلَاءُ فِي صَالَةِ الْأَمْتِحَانِ إِلَّا حَامِدًا» هم شاگردی ها به جز حامد در سالن امتحان حاضر شدند.

«حَضَرَ» فعل، ماضی، للغائب، ثلاثي مجرد، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله «الزُّمْلَاءُ» از نوع اسم ظاهر) الزُّمْلَاءُ (اسم، جمع، مکسر «تکسیر» و مفرد «الزمیل» وهو مذکر، معرفه به «ال» / فاعل از نوع اسم ظاهر) فی (حرف، جر، عامل) صَالَةِ (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «اضافه» / مجرور به حرف جر) الْأَمْتِحَانِ (اسم / مصدر، مفرد، مذکر، معرفه به «اضافه» / مضاف الیه) إِلَّا (ادوات استثناء، غیر عامل) حَامِدًا (اسم، مفرد، مذکر، اسم فاعل گروغ اول، معرفه به «علم» / مستثنی

□ کلمه «حَامِدًا» در جمله بالا مُسْتَثْنَى، «الزُّمْلَاءُ» مستثنی منه و «إِلَّا» ادات استثناء نامیده می شوند.

□ مستثنی یعنی «جدا شده از حکم ماقبل».

□ الزملاء: مستثنی منه در نقش فاعل

حَضَرَ الزُّمْلَاءُ فِي صَالَةِ الْأَمْتِحَانِ إِلَّا حَامِدًا.

مستثنی منه. ادات استثناء. مستثنی

□ الزملاء: مستثنی منه در نقش مبتدا

الزَّمْلَاءُ حَضَرُوا فِي صَالَةِ الْأَمْتِحَانِ إِلَّا حَامِدًا مُسْتَثْنَى مِنْهُ. ادات استثناء. مستثنی

حَضَرَ	الزَّمْلَاءُ	فِي صَالَةِ الْأَمْتِحَانِ	إِلَّا	حَامِدًا.
	مستثنی منه		ادات استثناء	مستثنی
الزَّمْلَاءُ	حَضَرُوا	فِي صَالَةِ الْأَمْتِحَانِ	إِلَّا	حَامِدًا
مستثنی منه			ادات استثناء	مستثنی

مثال دیگر:

كُلُّ شَيْءٍ يَنْقُصُ بِالْإِنْفَاقِ إِلَّا الْعِلْمَ. هر چیزی با بخشیدن کم می شود به جز علم

مستثنی منه      ادات استثناء      مستثنی

كُلُّ (اسم، مفرد، مذکر، نکره / مبتدا) شَيْءٍ (اسم، مفرد، مذکر، نکره / مضاف الیه) يَنْقُصُ (فعل، مضارع، للغائب، ثلاثی مجرد، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هو» - خبر) بِ- (حرف، جر، عامل) الْإِنْفَاقِ (اسم / مصدر، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر) إِلَّا (ادات استثناء، غیر عامل) الْعِلْمَ (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مستثنی)

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ تَرْجِمَ مَا يَلِي ثُمَّ عَيْنِ الْمُسْتَثْنَى وَالْمُسْتَثْنَى مِنْهُ.

خودت را بیازما آن چه در زیر می آید ترجمه کن سپس مستثنی و مستثنی منه را مشخص کن

اخْتَبِرْ (فعل، امر، للمخاطب، ثلاثی مزید در باب إفتعال، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «انت») نَفْسَكَ (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «اضافه» / مفعول) كَ (اسم / ضمیر متصل، للمخاطب، معرفه به ضمیر / مضاف الیه): تَرْجِمَ (فعل، امر، للمخاطب، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «انت») مَا (اسم، موصول، معرفه به موصول، / مفعول) يَلِي (فعل، مضارع، للغائب، ثلاثی مجرد، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هو» - ثمّ (حرف، عطف، غیر عامل) عَيْنِ (فعل، امر، للمخاطب، ثلاثی مزید در باب تفعیل، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «انت») الْمُسْتَثْنَى (اسم، مفرد، مذکر، اسم مفعول گروه دوم، معرفه به «ال» / مفعول) وَ (حرف، عطف، غیر عامل) الْمُسْتَثْنَى (اسم، مفرد، مذکر، اسم مفعول گروه دوم، معرفه به «ال» / معطوف) مِنْ (حرف، جر، عامل) هُ (اسم، ضمیر متصل، للغائب، معرفه به ضمیر / مجرور به حرف جر)

«... كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ...» الْقَصَص: ۸۸ - هر چیزی جز چهره او (الله) نابود شدنی است.



الْمُسْتَثْنَى: وَجَهَ وَالْمُسْتَثْنَى مِنْهُ: كُلُّ شَيْءٍ

﴿... كُلُّ (اسم، مفرد، مذکر، نکره / مبتدا) شَيْءٍ (اسم، مفرد، مذکر، نکره / مضاف الیه) هَالِكٌ (اسم، مفرد، مذکر، اسم فاعل گروه اول، نکره / خبر از نوع مفرد) إِنَّا (ادات استثناء، غیر عامل) وَجَهَ (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مستثنی) هُ (اسم / ضمیر متصل، للغائب، معرفه به ضمیر / مضاف الیه)....﴾

۲- ﴿فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ \* إِنَّا إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ﴾ ص: ۷۳ و ۷۴

پس همه فرشتگان با هم سجده کردند؛ جز شیطان که خود را بزرگ یافت و از کافران شد

الْمُسْتَثْنَى: إِبْلِيسَ وَالْمُسْتَثْنَى مِنْهُ: الْمَلَائِكَةُ

﴿فَسَجَدَ (فعل، ماضی، للغائب، ثلاثی مجرد، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله «المَلَائِكَةُ» از نوع اسم ظاهر) الْمَلَائِكَةُ (اسم، جمع، مکسر «تکسیر» و مفرد «الملک» و هو مذکر، معرفه به «ال» / فاعل از نوع اسم ظاهر) كُلُّ (اسم، معرفه به اضافه / تأکید) هُمْ (اسم / ضمیر متصل، للغائبین معرفه به ضمیر / مضاف الیه) أَجْمَعُونَ (اسم، جمع، مذکر، سالم، نکره / تأکید برای «کُلُّ») إِنَّا (ادات استثناء، غیر عامل) إِبْلِيسَ (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «علم» / مستثنی) اسْتَكْبَرَ (فعل، ماضی، للغائب، ثلاثی مزید در باب استفعال، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هو») و كَانَ (أفعال، ناقصه، ماضی، ثلاثی مجرد / افعال ناقصه و اسمه ضمیر مستتر «هو») مِنْ (حرف، جر، عامل) الْكَافِرِينَ (اسم، جمع، مذکر، سالم، اسم فاعل گروه اول، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر)﴾

۳- كُلُّ عَيْنٍ بِأَكْبِيَّةٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا ثَلَاثَ أَعْيُنٍ: عَيْنٌ سَهْرَتٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَعَيْنٌ غَضَّتْ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ، وَعَيْنٌ فَاضَتْ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ.

هر چشمی روز رستاخیز گریان است، جز سه چشم: چشمی که در راه خدا بیدار مانده، چشمی که از محرّمات الهی بر هم نهاده شده، و چشمی که از پروای خدا لبریز (ازاشک) شده است.

الْمُسْتَثْنَى: ثَلَاثَ أَعْيُنٍ وَالْمُسْتَثْنَى مِنْهُ: كُلُّ عَيْنٍ

كُلُّ (اسم، مفرد، مؤنث، نکره / مبتدا) عَيْنٍ (اسم، مفرد، مؤنث، نکره / مضاف الیه) بِأَكْبِيَّةٍ (اسم، مفرد، مؤنث، نکره / صفت مفرد) يَوْمَ (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «اضافه» / قید) الْقِيَامَةِ (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال» / مضاف الیه) إِنَّا (ادات، استثناء، غیر عامل) ثَلَاثَ (اسم، مفرد، مذکر، نکره / مستثنی) أَعْيُنٍ (اسم، جمع، مکسر «تکسیر» و مفرد «عین» و هی مؤنثه، نکره / مضاف الیه): عَيْنٌ (اسم، مفرد، مؤنث، نکره / بدل) سَهْرَتٌ (فعل، ماضی، للغائبه، ثلاثی مجرد، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هی» / فی) (حرف، جر، عامل) سَبِيلِ (اسم، مفرد، مذکر / مؤنث، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر) اللَّهِ (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به

«علم» / مضاف الیه، و (حرف، عطف، غیر عامل) **عَيْنُ** اسم، مفرد، مؤنث، نکره / معطوف **غَضَّتْ** (فعل، ماضی، للغائبه، ثلاثی مجرد، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هی» **عَنْ** (حرف، جر، عامل) **مَحَارِمِ** (اسم، جمع، مکسر «تکسیر» و مفرد «المحرم» و هو مذکر، معرفه به «اضافه» / **اللَّهِ**، (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «علم» / مضاف الیه)، و (حرف، عطف، غیر عامل) **عَيْنُ** (اسم، مفرد، مؤنث، نکره / معطوف) **فاضتْ** (فعل، ماضی، للغائبه، ثلاثی مجرد، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هی» **من** (حرف، جر، عامل) **خشية** (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «اضافه» / مجرور به حرف جر) **اللَّهِ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «علم» / مضاف الیه).

۴- **كُلُّ** وَعَاءٍ يَضِيقُ بِمَا جُعِلَ فِيهِ **إِلَّا** وَعَاءَ الْعِلْمِ؛ فَإِنَّهُ يَتَّسِعُ بِهِ.

[گنجایش] هر ظرفی با آنچه در آن نهاده شود، تنگ می‌شود، جز ظرف دانش که با آن [تحصیل علم] فراخ می‌شود.

المُسْتَتْنِي: وَعَاءٌ وَالْمُسْتَتْنِي مِنْهُ: كُلُّ وَعَاءٍ

**كُلُّ** (اسم، مفرد، مذکر، نکره / مبتدا) **وعاء** (اسم، مفرد، مذکر، نکره / مضاف الیه) **يَضِيقُ** (فعل، مضارع، للغائب، ثلاثی مجرد، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هو» - خبر) **بِ** (حرف، جر، عامل) **ما** (اسم، موصول، معرفه به موصول / مجرور به حرف جر) **جُعِلَ** (فعل، ماضی، للغائب، ثلاثی مجرد، متعدی، مجهول / جمله فعلیه و نائب فاعله ضمیر مستتر «هو» **فی** (حرف، جر، عامل) **ه** (اسم / ضمیر متصل، للغائب، معرفه به ضمیر / مجرور به حرف جر) **إِلَّا** (ادات، استثناء، غیر عامل) **وعاء** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «اضافه» / مستثنی) **الْعِلْمِ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» مضاف الیه)؛ **فَإِنَّ** (حرف، مشبهه بالفعل، عامل) **ه** (اسم / ضمیر متصل، للغائب، معرفه به ضمیر / اسم **إِنَّ**) **يَتَّسِعُ** (فعل، مضارع، للغائب، ثلاثی مزید در باب أفتعال، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هو» - خبر **إِنَّ**) **بِ** (حرف، جر، عامل) **ه** (اسم / ضمیر متصل، للغائب، معرفه به ضمیر / مجرور به حرف جر)

۵- **كُلُّ** شَيْءٍ يَرْخَصُ إِذَا كَثُرَ **إِلَّا** الْأَدَبَ؛ فَإِنَّهُ إِذَا كَثُرَ غَلَا.

هر چیزی جز ادب هرگاه زیاد شود، ارزان می‌شود؛ زیرا آن هرگاه زیاد شود پر بها (گران) می‌شود.

المُسْتَتْنِي: الْأَدَبَ وَالْمُسْتَتْنِي مِنْهُ: كُلُّ شَيْءٍ

**كُلُّ** (اسم، مفرد، مذکر، نکره / مبتدا) **شَيْءٍ** (اسم، مفرد، مذکر، نکره / مضاف الیه) **يَرْخَصُ** (فعل، مضارع، للغائب، ثلاثی مجرد، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هو» - خبر) **إِذَا** (اسم / ادات شرط غیر عامل / قید) **كَثُرَ** (فعل، ماضی، للغائب، ثلاثی مجرد، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هو» - فعل شرط) **إِلَّا** (ادات، استثناء، غیر عامل) **الْأَدَبَ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مستثنی) **فَإِنَّ** (حرف، مشبهه بالفعل، عامل) **ه** (اسم / ضمیر متصل، للغائب، معرفه به ضمیر / اسم **إِنَّ**)

إذا (اسم) / ادات شرط غیر عامل / قید (کثر) فعل ، ماضی ، للغائب ، ثلاثی مجرد ، لازم ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هو» -  
فعل شرط ( غَلَا . فعل ، ماضی ، للغائب ، ثلاثی مجرد ، لازم ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هو» - جواب شرط )

۶- لا تَعْلَمُ زَمِيلَاتِي اللُّغَةَ الْفَرَنْسِيَّةَ إِلَّا عَطِيَّةً . به جز عطیه همکلاسی هایم زبان فرانسه بلد نیستند. (نمی دانند)

عَطِيَّةً: الْمُسْتَنْتَى / الْمُسْتَنْتَى مِنْهُ: زَمِيلَات

لا ( حرف ، منفی ، غیر عامل ) تَعْلَمُ (فعل ، مضارع ، للغائبة ، ثلاثی مجرد ، متعدی ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله « زَمِيلَات » از نوع اسم ظاهر) « زَمِيلَات (اسم ، جمع ، مؤنث ، سالم ، معرفه به «اضافه» / فاعل از نوع اسم ظاهر) ی (اسم / ضمیر متصل ، للمتكلم وحده ، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) اللُّغَةَ (اسم ، مفرد ، مؤنث ، معرفه به «ال» / مفعول) الْفَرَنْسِيَّةَ (اسم ، مفرد ، مؤنث ، معرفه به «ال» / صفت مفرد) إِلَّا (ادات ، استثناء ، غیر عامل) عَطِيَّةً (اسم ، مفرد ، مؤنث ، معرفه به «علم» / مستثنی).

حَلَّ الطُّلَّابُ مَسَائِلَ الرِّيَاضِيَّاتِ إِلَّا مَسْأَلَةً . دانش آموزان مسئله های ریاضی را بجز یک مسئله حل کردند.

مَسَائِلَ: الْمُسْتَنْتَى / الْمُسْتَنْتَى مِنْهُ: مَسْأَلَةً

۷- حَلَّ (فعل ، ماضی ، للغائب ، ثلاثی مجرد ، متعدی ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله « الطُّلَّابُ » از نوع اسم ظاهر) الطُّلَّابُ (اسم ، جمع ، مکسر «تکسیر» و مفرد «الطالب» وهو مذکر ، اسم فاعل گروه اول ، معرفه به «ال» / فاعل از نوع اسم ظاهر) مَسَائِلَ (اسم ، جمع ، مکسر «تکسیر» و مفرد «المسألة» وهی مؤنثة ، معرفه به اضافه» / مفعول) الرِّيَاضِيَّاتِ (اسم ، جمع ، مؤنث ، سالم ، معرفه به «ال» / مضاف الیه) إِلَّا (ادات ، استثناء ، غیر عامل) مَسْأَلَةً . (اسم ، مفرد ، مؤنث ، نکره / مستثنی)

۱. سَهَرَ - : بیدار ماند / ۲. غَضَّ عَيْنَهُ: چشم بر هم نهاد / ۳. فاض: لبریز شد / ۴. الْخَشْيَةُ: پروا / ۵. الوعاء: ظرف «جمع:

الأوعية» / ۶. ضاق: تنگ شد / ۷. اتَّسَعَ: فراخ شد ≠ ضاق / ۸. رَخُصَ: ارزان شد / ۹. غَلَا: گران شد ≠ رَخُصَ

صفحه ۴۰

أُسْلُوبُ الْحَصْرِ

حصر با إلاً:

« إلاً » در «اسلوب حصر» برای استثناء نمی آید؛ بلکه برای «اختصاص و حصر» است.

« حصر » یعنی اختصاص دادن چیزی به کسی یا موضوعی؛ مانند:

«ما فازَ إِلَّا الصَّادِقُ.» « یعنی «جز راستگو موفق نشد.» یا «تنها راستگو موفق شد.»

ما(حرف، منفي، غير عامل) **فازَ** (فعل، ماضي، للغائب، ثلاثي مجرد، لازم، معلوم، / جمله فعلیه و فاعله الصادقُ) **إِنَّا** (ادات، حصر، غير عامل) **الصادقُ**. (اسم، مفرد، مذکر، اسم فاعل گروه اول، معرفه به «ال» / فاعل از نوع اسم ظاهر)

در این جمله موفقیت را به شخص راستگو منحصر کرده و از دروغگو سلب کرده ایم.

این اسلوب معمولاً هنگامی است که پیش از «إِلَّا» جمله منفي آمده و مستثنی منه ذکر

نشده باشد؛ مثال:

تنها کاظم قصیده را حفظ کرد.

ما حَفِظَ الْقَصِيدَةَ إِلَّا كَاطِمًا

جز کاظم قصیده را حفظ نکرد

ما(حرف، منفي، غير عامل) **حَفِظَ** (فعل، ماضي، للغائب، ثلاثي مجرد، لازم، معلوم، / جمله فعلیه و فاعله الصادقُ) **الْقَصِيدَةَ** (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال» / مفعول) **إِنَّا** (ادات، حصر، غير عامل) **كَاطِمًا**. (اسم، مفرد، مذکر، اسم فاعل گروه اول، معرفه به «ال» / فاعل از نوع اسم ظاهر)

در جمله بالا «حفظ قصیده» تنها به کاظم اختصاص دارد و فقط در او حصر شده است.

در اسلوب حصر می توانیم عبارت را به صورت **مثبت و مؤکد** نیز ترجمه کنیم.

در کتابخانه، تنها کاظم را دیدم.

ما شَاهَدْتُ فِي الْمَكْتَبَةِ إِلَّا كَاطِمًا

در کتابخانه، جز کاظم را ندیدم.

ما(حرف، منفي، غير عامل) **شَاهَدْتُ** (فعل، ماضي، للغائب، ثلاثي مزيد در باب مفاعلة، متعدی، معلوم، / جمله فعلیه و فاعله ضمير بارز متصل «ت») **فِي** (حرف، جر، عامل) **الْمَكْتَبَةِ** (اسم، مفرد، مؤنث، اسم مکان، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر) **إِنَّا** (ادات، حصر، غير عامل) **كَاطِمًا**. (اسم، مفرد، مذکر، اسم فاعل گروه اول، معرفه به «ال» / مفعول)

ما شَاهَدْتُ فِي الْمَكْتَبَةِ إِلَّا كَاطِمًا

در اسلوب حصر یافتن مستثنی و مستثنی منه از اهداف آموزشی و ارزشیابی نیست .

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ، ثُمَّ مَيِّزْ أُسْلُوبَ الْحَصْرِ مِنْ أُسْلُوبِ الْأِسْتِثْنَاءِ.

خودت را بیازما: عبارتهای زیر را ترجمه کن سپس اسلوب حصر را از اسلوب استثنا جدا کن

اخْتَبِرِ (فعل، امر، للمخاطب، ثلاثی مزید در باب إفتعال، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «انت» / نفس (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «اضافه» / مفعول) كَ (اسم / ضمیر متصل، للمخاطب، معرفه به ضمیر / مضاف الیه): تَرْجِمِ (فعل، امر، للمخاطب، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «انت» / العِبَارَاتِ (اسم، جمع، مؤنث، سالم، معرفه به «ال» / مفعول) التَّالِيَةَ (اسم، مفرد، مؤنث، اسم فاعل گروه اول، معرفه به «ال» / صفت مفرد)، ثُمَّ (حرف، عطف، غیر عامل) مَيِّزُ (فعل، امر، للمخاطب، ثلاثی مزید در باب تفعیل، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «انت» / أُسْلُوبَ (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «اضافه» / مفعول) الْحَصْرِ (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مضاف الیه) مِنْ (حرف، جر، عامل) اسلوب (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «اضافه» / مجرور به حرف جر) الْأِسْتِثْنَاءِ (اسم / مصدر، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مضاف الیه)

۱- ﴿ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ ... ﴾ الأنعام: ۳۲

و زندگی دنیا جز بازی و سرگرمی نیست / زندگی دنیا فقط بازی و سرگرمی است / اسلوب حصر

﴿ وَمَا (حرف، منفی، غیر عامل) الْحَيَاةُ (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال» / مبتدا) الدُّنْيَا (اسم، مفرد، مؤنث، اسم تفضیل، معرفه به «ال» / صفت مفرد) إِلَّا (ادات، حصر، غیر عامل) لَعِبٌ (اسم، مفرد، مذکر، نکره / خبر مبتدا از نوع مفرد) وَ (حرف، عطف، غیر عامل) لَهْوٌ (اسم، مفرد، مذکر، نکره / معطوف) ... ﴾

۲- ﴿ ... لَا يَبْأَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ ﴾ یوسف: ۸۷

جز قوم کافران از رحمت خدا نومید نمی شود. / فقط قوم کافر از رحمت خداوند نا امید می شوند / اسلوب حصر

﴿ ... لَا (حرف، منفی، غیر عامل) يَبْأَسُ (فعل، مضارع، للغائب، ثلاثی مجرد، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله «الْقَوْمُ» از نوع اسم ظاهر) مِنْ (حرف، جر، عامل) رَوْحِ (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «اضافه» / مجرور به حرف جر) اللَّهِ (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «علم» / مضاف الیه) إِلَّا (ادات، حصر، غیر عامل) الْقَوْمُ (اسم جمع، مذکر، معرفه به «ال» / فاعل از نوع اسم ظاهر) الْكَافِرُونَ (اسم، جمع، مذکر، سالم، معرفه به «ال» / صفت مفرد) ﴾

۳- ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لَقَفِي خُسْرٍ﴾ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ... ﴿العصر: ۳ و ۲﴾

بی گمان انسان در زیان است \* مگر کسانی که ایمان آورده اند و کارهای نیک انجام داده اند... / اسلوب استثنا

﴿إِنَّ﴾ (حرف، مشبیهة بالفعل، عامل) الْإِنْسَانَ (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / اسم إن) لَ (حرف، تأکید، غیر عامل) فِي (حرف، جر، عامل)، خُسْرٍ (اسم، مفرد، مذکر، نکره / مجرور به حرف جر- لفی خسر خبر «إِنَّ» ﴿إِنَّا﴾ (ادات، استثناء، غیر عامل) الَّذِينَ (اسم، موصول، جمع، مذکر، معرفه به موصول / مستثنی) آمَنُوا (فعل، ماضی، للغائبین، ثلاثی مزید در باب إفعال، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله «ضمیر بارز متصل «واو» ﴿وَ﴾ (حرف، عطف، غیر عامل) عَمِلُوا (فعل، ماضی، للغائبین، ثلاثی مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله «ضمیر بارز متصل «واو» ﴿الصَّالِحَاتِ﴾ (اسم، جمع، مؤنث، سالم، معرفه به «ال» / مفعول) ... ﴿

۴- مَا طَالَعْتُ لَيْلَةَ الْإِمْتِحَانِ كِتَابًا إِلَّا كِتَابَ الْعَرَبِيَّةِ.

شب امتحان کتابی به جز کتاب عربی مطالعه نکردم. / اسلوب استثنا

مَا (حرف، منفی، غیر عامل) طَالَعْتُ (فعل، ماضی، للمتكلم وحده، ثلاثی مزید در باب مفاعلة، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله «ضمیر بارز متصل «ت» ﴿ت﴾ لَيْلَةَ (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به اضافه / قید) الْإِمْتِحَانِ (اسم / مصدر، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مضاف الیه) كِتَابًا (اسم / مصدر باب مفاعلة، مفرد، مذکر، نکره / مفعول) إِلَّا (ادات، استثناء، غیر عامل) كِتَابَ (اسم / مصدر باب مفاعلة، مفرد، مذکر، معرفه به «اضافه» / مستثنی) الْعَرَبِيَّةِ (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال» / مضاف الیه)

۵- قَرَأْتُ الْكِتَابَ التَّارِيخِيَّ إِلَّا مَصَادِرَهُ.

کتاب تاریخ را به جز منابع خواندم. / اسلوب استثنا

قَرَأْتُ (فعل، ماضی، للمتكلم وحده، ثلاثی مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله «ضمیر بارز متصل «ت» ﴿ت﴾ الْكِتَابَ (اسم / مصدر باب مفاعلة، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مفعول) التَّارِيخِيَّ (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / صفت مفرد) إِلَّا (ادات، استثناء، غیر عامل) مَصَادِرَهُ (اسم، جمع، مکسر «تکسیر» و مفرد «المصدر» وهو مذکر، اسم مکان، معرفه به «اضافه» / مستثنی) هُ. (اسم / ضمیر متصل لغائب، معرفه به ضمیر / مضاف الیه)

۶- اشْتَرَيْتُ أَنْوَاعَ الْفَاكِهَةِ إِلَّا أَنَانِاسَ.

انواع میوه را به جز آناناس خریدم. / اسلوب استثنا

**اَشْتَرَيْتُ** (فعل، ماضی ، للمتکلم وحده، ثلاثی مزید افتعال، متعدی ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله «ضمیر بارز متصل»ت) **أنواع** (اسم، جمع، مکسر «تکسیر» و مفرد «النوع» و هو مذکر ، معرفه به «اضافه» / مفعول) **أفناکِهَة** (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال» / مضاف الیه) **إنّا** (ادات، استثناء ، غیر عامل) **أنا ناس**. (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «علم» / مستثنی)

مصادر: منابع

### التمارین

۱) **أُكْتُبُ** کَلِمَةً مُنَاسِبَةً لِلتَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةِ مِنْ كَلِمَاتِ الْمُعْجَمِ. کلمه ای مناسب را برای توضیحات زیر از کلمات واژه نامه بنویس (فعل، امر، للمخاطب، ثلاثی مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «انت») **كَلِمَةً** (اسم، مفرد، مؤنث، نکره / مفعول) **مُنَاسِبَةً** (اسم، مفرد، مؤنث، اسم فاعل گروه دوم، نکره / صفت مفرد) **ل** (حرف، جر، عامل) **للتَّوْضِيحَاتِ** (اسم، جمع ، مؤنث، سالم، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر) **التَّالِيَةِ** (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال» / صفت مفرد) **مِنْ** (حرف، جر، عامل) **كَلِمَاتٍ** (اسم، جمع ، مؤنث، سالم، معرفه به «اضافه» / مجرور به حرف جر) **المُعْجَمِ** (اسم، مفرد، مذکر، اسم مفعول گروه دوم، معرفه به «ال» / مضاف الیه)

جَعَلَهُ غَنِيًّا لَا حَاجَةَ لَهُ. او را بی نیازی ساخت که هیچ نیازی نداشته باشد

**جواب:** أغنى (بی نیاز گرداند)

**جَعَلَ** (فعل، ماضی ، للغائب، ثلاثی مجرد، متعدی ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هو») **هُ**. (اسم / ضمیر متصل للغائب، معرفه به ضمیر / مفعول اول) **غَنِيًّا** (اسم، مفرد، مذکر، نکره / مفعول دوم) **لَا** (حرف ، نفی جنس ، عامل) **حَاجَةَ** (اسم، مفرد، مؤنث، نکره، / اسم «لا») **ل** (حرف، جر، عامل) **هُ**. (اسم / ضمیر متصل للغائب، معرفه به ضمیر / مجرور به حرف جر - له خبر «لا» از نوع جار و مجرور)

شَخْصٌ يَكْتُبُ مَقَالَاتٍ فِي الصُّحُفِ. فردی که مقاله هایی را در روزنامه ها می نویسد

**جواب:** الصَّحْفِيَّ (روزنامه نگار)

**شَخْصٌ** (اسم، مفرد، مذکر، نکره / خبر برای مبتدا که همان جواب یعنی «الصَّحْفِيَّ» می باشد) **يَكْتُبُ** (فعل ، مضارع، للغائب، ثلاثی مجرد، متعدی ، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هو» - صفت جمله) **مَقَالَاتٍ** (اسم، جمع، مؤنث ، سالم، نکره / مفعول) **فِي** (حرف ، جر، عامل) **الصُّحُفِ**. (اسم، جمع، مکسر «تکسیر» و مفرد «الصحيفة» و هي مؤنثة ، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر)

دوران تحصیل پس از (دوران) ابتدایی المرحلة الدِّرَاسِيَّةُ بَعْدَ الْإِبْتِدَائِيَّةِ

**جواب:** الثانویة (دبیرستان)

**المَرَحَلَةُ** (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال» / خبر برای مبتدا که همان جواب یعنی «الثانوية» می باشد) **الدَّرَاسِيَّةُ**

(اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال» / صفت مفرد) **بَعْدَ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «اضافه» / قید) **الابْتِدَائِيَّةُ** (اسم،

مفرد، مؤنث، معرفه به «ال» / مضاف الیه)

العالمُ الَّذِي لَهُ أَفْكَارٌ عَمِيقَةٌ وَ حَدِيثَةٌ. دانشمندی که افکار عمیق و جدیدی دارد

**جواب:** المَفْكَرُ (اندیشمند)

العالمِ (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / خبر برای مبتدا که همان جواب یعنی «المفكر» می باشد) الَّذِي (اسم،

مفرد، مذکر، معرفه به موصول» / صفت مفرد) **لَ** (حرف، جر، عامل) **هـ.** (اسم / ضمیر متصل للغائب، معرفه به ضمیر /

مجرور به حرف جر - له خبر مقدم) أَفْكَارٌ (اسم، جمع، مکسر «تکسیر» و مفرده «فکر» وهو مذکر / مبتدای مؤخر)

عمیقَةٌ (اسم، مفرد، مؤنث، نکره / صفت مفرد) وَ (حرف، عطف، غیر عامل) حَدِيثَةٌ (اسم، مفرد، مؤنث، نکره / معطوف

الأوضاعُ وَ الأحوالُ الَّتِي تُشَاهِدُهَا حَوْلَنَا. اوضاع و احوالی که آن ها را در اطرافمان مشاهده می کنیم

**جواب:** الظروف (شرایط)

**الأوضاعُ** (اسم، جمع، مکسر «تکسیر» و مفرده «الوضع» وهو مذکر / خبر برای مبتدا که همان جواب یعنی

«الظروف» می باشد) وَ (حرف، عطف، غیر عامل) **الأحوالُ** (اسم، جمع، مکسر «تکسیر» و مفرده «الحال» وهو مذکر

و مؤنث / معطوف) **الَّتِي** (اسم، موصول، مفرد، مؤنث، معرفه به موصول / صفت مفرد) **تُشَاهِدُ** (فعل، مضارع، للمتكلم

مع الغير، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «نحن» **ها** (اسم / ضمیر متصل، للغائبة، معرفه به

ضمیر / مفعول) **حَوْلَ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «اضافه» / قید) **نا.** (اسم / ضمیر متکلم مع الغير، معرفه به

ضمیر / مضاف الیه)

٢) ضَعُ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. در جای خالی کلمه ای مناسب از کلمات زیر را قرار بده

ضَعُ (فعل، امر، للمخاطب، ثلاثی مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «انت») فِي (حرف، جر، عامل) الْفَرَاغِ (اسم،

مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر) **كَلِمَةً** (اسم، مفرد، مؤنث، نکره / مفعول) **مُنَاسِبَةً** (اسم، مفرد، مؤنث، اسم فاعل گروه

دوم، نکره / صفت مفرد) **مِنِ** (حرف، جر، عامل) **الكلماتِ** (اسم، جمع، مؤنث، سالم، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر) **التَّالِيَةِ** (اسم،

مفرد، مؤنث، اسم فاعل گروه اول، معرفه به «ال» / صفت مفرد)

١) سَعِرَ الْعَنْبُ \_\_\_\_\_ فِي نِهَآيَةِ الصَّيْفِ بِسَبَبِ وَفُورِهِ فِي السُّوقِ.

يَغْلُو  گران می شود بِرِخْصٍ  ارزان می شود يَكْتُرُ  زیاد می شود يَغْضُ  کاهش می یابد

قیمت انگور در پایان تابستان به علت فراوانیش در بازار ارزان می شود



**سِعْرُ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «اضافه»/مبتدا) **العَنْبِ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال»/مضافاليه) **يَرْخُصُ** (فعل، مضارع، للغائب، ثلاثی مجرد، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هو» - خبر مبتدا) **فی** (حرف جر، عامل) **نِهَايَةَ** (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «اضافه»/مجرور به حرف جر) **الصَّيْفِ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال»/مضاف اليه) **بِ** (حرف جر، عامل) **سَبَبِ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «اضافه»/مضاف اليه) **وَقُورِ** (اسم، مصدر، مفرد، مذکر، معرفه به «اضافه»/مضاف اليه) **ه** (اسم/ضمیر متصل، للغائب، معرفه به ضمیر / مضاف اليه) **فی** (حرف جر، عامل) **السُّوقِ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال»/مجرور به حرف جر)

۲) أعطى المديرُ مسؤوليَّةَ المكتبةِ لزميلي وهو \_\_\_\_\_ بها

مدیر مسؤولیت کتابخانه را به همکلاسیم درحالی که اوشایسته آن بود، داد

جدیر  شایسته      شلال  آبخار      تلفاز  تلفزیون      ظروف  شرایط

**أعطى** (فعل، ماضی، للغائب، ثلاثی مزید در باب إفعال، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله «المُدیرُ» از نوع اسم ظاهر) **المُدیرُ** (اسم، مفرد، مذکر، اسم فاعل گروه دوم، معرفه به «ال»/فاعل از نوع اسم ظاهر) **مَسْؤُولِيَّةَ** (اسم، مفرد، مؤنث، اسم مفعول گروه اول، معرفه به «اضافه»/مفعول) **المكتبةِ** (اسم، مرد، مؤنث، اسم مکان، معرفه به «ال»/مضاف اليه) **لِ** (حرف جر، عامل) **زَمِيلِ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «اضافه»/مجرور به حرف جر) **ی** (اسم/ضمیر متصل، للمتكلم، معرفه به ضمیر / مضاف اليه) **و** (حرف، حالیه، غیر عامل) **هو** (ضمیر منفصل، للغائب، معرفه به ضمیر / مبتدا) **جدیرُ** (اسم، مفرد، مذکر، نکره / خبر از نوع مفرد) **بِ** (حرف جر، عامل) **ها** (اسم/ضمیر متصل، للغائبة، معرفه به ضمیر / مجرور به حرف جر)

۳) ذهبنا إلى البستانِ وَ \_\_\_\_\_ التُّفَّاحاتِ وَ الرُّمَّاناتِ.

طَبَعْنَا  چاپ کردیم      تَصَفَّحْنَا  ورق زدیم      رَكِبْنَا  سوار شدیم      أَكَلْنَا  خودیم

**ذهبنا** (فعل، ماضی، للغائب، ثلاثی مجرد، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله «نا» ضمیر بارز متصل) **إِلَى** (حرف جر، عامل) **البستانِ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال»/مجرور به حرف جر) **وَ** (حرف عطف، غیر عامل) **أَكَلْنَا** (فعل، ماضی، للغائب، ثلاثی مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله «نا» ضمیر بارز متصل) **التُّفَّاحاتِ** (اسم، جمع، مؤنث، سالم، معرفه به «ال»/مفعول) **وَ** (حرف، عطف، غیر عامل) **الرُّمَّاناتِ** (اسم، جمع، مؤنث، سالم، معرفه به «ال»/معطوف)

۴) صنعتُ \_\_\_\_\_ جمیلاً مِنْ خَشَبِ شَجَرَةِ الْجَوْزِ.

وعاء  ظرفی      زُجَاجاً  شیشه ای      حديداً  آهنی      نحاساً  مسی

**صَنَعْتُ** (فعل، ماضی، للغائب، ثلاثی مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله «ت» ضمیر بارز متصل) **وعاءً** (اسم، مفرد، مذکر، نکره / مفعول) **جمیلاً** (اسم، مفرد، مذکر، نکره / صفت مفرد) **من** (حرف، جر، عامل) **خشب** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «اضافه» / مجرور به حرف جر) **شجره** (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «اضافه» / مجرور به حرف جر) **الجوز** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مضاف الیه)

۵) حارسُ الفندقِ [ ] کُلَّ اللَّیْلِ مَعَ زَمِيلِهِ. نگهبان هتل تمام شب همراه همکارش بیدار می ماند  
 یخفُّضُ [ ] کاهش می دهد یُمِرُّ [ ] تلخ می کند یَقْذِفُ [ ] می اندازد یَسْهَرُ [ ] بیدار می ماند  
**حارس** (اسم، مفرد، مذکر، اسم فاعل گروه اول، معرفه به «اضافه» / مبتدا **الفندق** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مضاف الیه)  
**یسهر** (فعل، مضارع، للغائب، ثلاثی مجرد، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هو» - خبر) **کُلَّ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «اضافه» / قید) **اللَّیْلِ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مضاف الیه) **مع** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «اضافه» / قید)  
**زمیل** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «اضافه» / مضاف الیه) **ه** (اسم / ضمیر متصل، للغائب، معرفه به ضمیر / مضاف الیه)

۳- اَمَلًا الْجَدُولَ بِكَلِمَاتٍ مُنَاسِبَةٍ. جدول را با کلماتی مناسب پر کن  
**املاً** (فعل، امر، للمخاطب، ثلاثی مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «انت» **الجدول** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مفعول) **ب** (حرف، جر، عامل) **کلمات** (اسم، جمع، مؤنث، سالم، نکره، / مجرور به حرف جر) **مناسبة** (اسم، مفرد، مؤنث، اسم فاعل گروه دوم، نکره / صفت مفرد)

عِبَاءَةٌ	مَأخُودٌ	مُتَذَكِّرٌ	حَمَامَةٌ	تَعَارُفٌ	حِرْبَاءٌ
عُدْوَانٌ	مَقْطُوعٌ	ظَاهِرَةٌ	أَفْلَامٌ	بَطَاقَةٌ	أَقْمَارٌ
تَعْلِيمٌ	أَنْهَارٌ	مَعْجُونٌ	بِضَاعَةٌ	سَهْوَةٌ	نَفَقَاتٌ
سِرْوَالٌ	وَالِدَةٌ	كِرَاسِيٌّ	بِهَائِمٌ	أَعْلَامٌ	أَصْنَامٌ
تَلْمِيزٌ	إِرْسَالٌ	بِرَامِجٌ	حِجَارَةٌ		

**عِبَاءَةٌ** (اسم، مفرد، مؤنث، نکره / ...) **مَأخُودٌ** (اسم، مفرد، مذکر، اسم مفعول گروه اول، نکره / ...) **مُتَذَكِّرٌ** (اسم، مفرد، مذکر، اسم فاعل گروه دوم، نکره / ...) **حَمَامَةٌ** (اسم، مفرد، مؤنث، نکره / ...) **تَعَارُفٌ** (اسم / مصدر، مفرد، مذکر، نکره / ...) **حِرْبَاءٌ** (اسم، مفرد، مؤنث، نکره / ...) **عُدْوَانٌ** (اسم، مفرد، مذکر، نکره / ...) **مَقْطُوعٌ** (اسم، مفرد، مذکر، اسم مفعول گروه اول، نکره / ...) **ظَاهِرَةٌ** (اسم، مفرد، مؤنث، نکره / ...) **أَفْلَامٌ** (اسم، جمع، مکسر «تکسیر» و مفرده «فلم» و هو مذکر، نکره / ...) **بَطَاقَةٌ** (اسم، مفرد، مؤنث، نکره / ...) **أَقْمَارٌ** (اسم، جمع، مکسر «تکسیر» و مفرده «قمر» و هو مذکر، نکره / ...)

**تَعْلِيم** (اسم / مصدر، مفرد، مذکر، نکره /....) **أَنْهَار** (اسم، جمع، مکسر «تکسیر» و مفرد «نهر» و هو مذکر، نکره /...) **مَعْجُون** (اسم، مفرد، مذکر، اسم مفعول گروه اول، نکره /...) **بِضَاعَة** (اسم، مفرد، مؤنث، نکره /...) **سَهْوَلَة** (اسم، مفرد، مؤنث، نکره /...) **نَفَقَات** (اسم، جمع، مؤنث، سالم، نکره /...) **سِرِّوَال** (اسم، مفرد، مذکر، نکره /...) **وَالِدَة** (اسم، مفرد، مؤنث، اسم فاعل گروه اول، نکره /...) **کَرَّاسِي** (اسم، جمع، مکسر «تکسیر» و مفرد «کرسی» و هو مذکر، نکره /...) **بِهَائِم** (اسم، جمع، مکسر «تکسیر» و مفرد «بهیمه» و هي مؤنثه، نکره /...) **أَعْلَام** (اسم، جمع، مکسر «تکسیر» و مفرد «علم» و هو مذکر، نکره /...) **أَصْنَام** (اسم، جمع، مکسر «تکسیر» و مفرد «صنم» و هو مذکر، نکره /...) **تَلْمِيذ** (اسم، مفرد، مذکر، نکره /...) **إِرْسَال** (اسم / مصدر، مفرد، مذکر، نکره /...) **بِرَامِج** (اسم، جمع، مکسر «تکسیر» و مفرد «برنامج» و هو مذکر، نکره /...) **حِجَارَة** (اسم، جمع، مکسر «تکسیر» و مفرد «حجر» و هو مذکر، نکره /...)

﴿ وَ عِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا... ﴾

و بندگان خدای مهربان کسانی هستند که به آرامی روی زمین راه می روند و چون افراد نادان آنها را مورد خطاب قرار دهند سخنی نرم و آرام می گویند

﴿ وَ عِبَادُ ﴾ (اسم، جمع، مکسر «تکسیر» و مفرد «العبد» و هو مذکر، معرفه به «اضافه» / مبتدا) **الرَّحْمَنِ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مضاف الیه) **الَّذِينَ** (اسم، موصول، جمع، مذکر، معرفه به موصول / خبر از نوع مفرد) **يَمْشُونَ** (فعل، مضارع، للغائبين، ثلاثي مجرد، لازم، معلوم، / جمله فعلیه و فاعله ضمیر بارز متصل «واو» **عَلَى** (حرف، جر، عامل) **الْأَرْضِ** (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر) **هَوْنًا** (اسم، مفرد، مذکر، نکره / حال مفرد)

صفحه ۴۴

به بیان ویژگی های دستوری کلمه بیرون از جمله، در زبان عربی «التَّحْلِيلُ الصَّرْفِيُّ» می گویند. و به ذکر نقش دستوری کلمه، یعنی جایگاه آن در جمله در زبان عربی «المَحَلُّ الإِعْرَابِيُّ» می گویند.

(۴) أَلْف: عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ وَ الْمَحَلِّ الإِعْرَابِيِّ لِمَا أُشِيرَ إِلَيْهِ بِخَطِّ.

درست را در تحلیل صرفی (تجزیه - نوع کلمه) و محل اعرابی (نقش - ترکیب) در چیزی که در زرش خطی کشیده شده مشخص کن

**عَيْنِ** (فعل، امر، للمخاطب، ثلاثي مزيد در باب تفعیل، متعدی، معلوم، / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «انت») **الصَّحِيحِ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مفعول) **فِي** (حرف، جر، عامل) **التَّحْلِيلِ** (اسم / مصدر، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مفعول) **الصَّرْفِيِّ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / صفت مفرد) **وَ** (حرف، عطف، غیر عامل) **المَحَلِّ** (اسم، مفرد، مذکر، اسم مکان، معرفه به «ال» /

معطوف) الإعرابي (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / صفت مفرد) ل (حرف جر، عامل) ما (اسم، موصول، معرفه به موصول / مجرور به حرف جر) أشير (فعل، ماضی، للغائب، ثلاثی مزید در باب إفعال، متعدی، مجهول / جمله فعلیه و نائب فاعله ضمیر مستتر «هو» / إلی (حرف، جر، عامل) ه (اسم، ضمیر متصل، للغائب، معرفه به ضمیر / مجرور به حرف جر) ب (حرف، جر، عامل) خط (اسم، مفرد، مذکر، نکره / مجرور به حرف جر)

الْعَمَالُ الْمُجْتَهِدُونَ يَشْتَغِلُونَ فِي الْمَصْنَعِ. کارگران تلاشگر در کارخانه کار می کنند

الْعَمَالُ (اسم، جمع، مکسر «تکسیر» و مفرد «العامل» وهو مذکر، اسم فاعل گروه اول، معرفه به «ال» / مبتدا) الْمُجْتَهِدُونَ (اسم، جمع، مذکر، سالم، معرفه به «ال» / صفت مفرد) يَشْتَغِلُونَ (فعل، مضارع، للغائبین، ثلاثی مزید در باب إفعال، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر بارز متصل «واو» - خبر) فِي (حرف، جر، عامل) الْمَصْنَعِ. (اسم، مفرد، مذکر، اسم مکان، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر)

نَجَحَتِ الطَّالِبَاتُ فِي الامْتِحَانِ. دانش آموزان در امتحان پیروز شدند

نَجَحَتِ (فعل ماضی، للغائبه، ثلاثی مجرد، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله «الطَّالِبَاتُ» از نوع اسم ظاهر) الطَّالِبَاتُ (اسم، جمع، مؤنث، سالم، اسم فاعل گروه اول، معرفه به «ال» / فاعل از نوع اسم ظاهر) فِي (حرف، جر، عامل) الامْتِحَانِ (اسم / مصدر، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر)

مبتدأ	اسم فاعل، جمع تكسير و مفرد	الْعَمَالُ
فاعل	اسم مبالغة، جمع مذکر سالم، معرف بال	
صفة	اسم فاعل، جمع مذکر سالم، معرف بال	المُجْتَهِدُونَ
مُضَافٌ إِلَيْهِ	اسم مفعول، مثنی، مذکر، نكرة	
خبر	فعل مضارع، معلوم	يَشْتَغِلُونَ
فاعل	فعل ماضی، مجهول	
مُضَافٌ إِلَيْهِ	اسم مفعول، مفرد، معرف بال	الْمَصْنَعِ
مَجْرُورٌ بِحَرْفِ جَرٍّ (فِي الْمَصْنَعِ: جَارٌ وَ مَجْرُورٌ)	اسم مکان، مفرد، مذکر، معرفة	
	فعل ماضی، مجهول	نَجَحَتِ
	فعل ماضی، معلوم	

الطَّالِبَاتُ:	مَصَدَرٌ، جَمْعُ مَذَكَّرٍ سَالِمٍ، مَعْرَفٌ بِأَلٍ	مُبْتَدَأٌ
	اسْمٌ فَاعِلٌ، جَمْعُ مُؤَنَّثٍ سَالِمٍ، مَعْرِفَةٌ	فَاعِلٌ
الامْتِحَانُ:	مَصَدَرٌ مِنْ بَابِ افْتِعَالٍ، مُفْرَدٌ، مَذَكَّرٌ، مَعْرَفٌ بِأَلٍ	مَجْرورٌ بِحَرْفِ جَرٍّ (فِي الامْتِحَانِ: جَارٌ وَ مَجْرورٌ)
	اسْمٌ تَفْضِيلٌ، مُفْرَدٌ، مَذَكَّرٌ، مَعْرِفَةٌ بِالْعِلْمِيَّةِ	صِفَةٌ

أ- أكمل الفراغات في ترجمة النص التالي.

هناك طائرٌ يُسمى «برناكل» يبني عشته فوق جبال مرتفعة بعيداً عن المُفترسين. وعندما تكبر فراخه، يريد منها أن تقفز من عشها المرتفع. تقذف الفراخ نفسها واحداً واحداً من جبل يبلغ ارتفاعه أكثر من ألف متر. وتصطدم بالصخور عدة مرات. ينتظر الوالدان أسفل الجبل ويستقبلان فراخهما. سقوط الفراخ مشهدٌ مرعبٌ جداً. ولكن لا فرار منه لأنه قسم من حياتها القاسية.

پرنده ای وجود دارد که برناکل نامیده می شود (او) لانه اش را بر فراز کوه های بلند، دور از شکارچیان می سازد و هنگامی که جوجه هایش بزرگ می شود از آنها می خواهد از لانه بلندشان بپرند. جوجه ها یکی یکی خودشان را از کوهی که بلندای آن به بیش از هزار متر می رسد، می اندازند. و چند بار با صخره ها برخورد می کنند. پدر و مادر پایین کوه چشم به راه می شوند و به پیشواز جوجه هایشان می روند. افتادن جوجه ها صحنه ای بسیار ترسناک است. ولی هیچ گریزی از آن نیست، زیرا بخشی از زندگی دشوارشان است.

أكمل (فعل، امر، للمخاطب، ثلاثي مزيد در باب إفعال، متعدي، معلوم / جملة فعلية و فاعله ضمير مستتر «انت»)

الفراغات (اسم، جمع، مؤنث، سالم، معرفة به «ال» / مفعول) في (حرف، جر، عامل) ترجمة (اسم، مفرد، مؤنث،

معرفة به «إضافة» / مجرور به حرف جر) النص (اسم، مفرد، مذکر، معرفة به «ال» / مضاف اليه) التالي. (اسم،

مفرد، مذکر، اسم فاعل گروه اول، معرفة به «ال» / صفت مفرد)

هناك (اسم، اشاري مكاني، معرفة به اسم اشاره، / خبر مقدم) طائر (اسم، مفرد، مذکر، اسم فاعل گروه اول،

نكرة / مبتدای مؤخر) يسمى (فعل، مضارع، للغائب، ثلاثي مزيد در باب تفعيل، متعدي، مجهول / جملة فعلية

ونائب فاعله «برناكل» از نوع اسم ظاهر- صفت جمله) برناكل (اسم، مفرد، مذکر، معرفة به «علم» / نائب

فاعل از نوع اسم ظاهر) يبني (فعل، مضارع، للغائب، ثلاثي مجرد، متعدي، معلوم / جملة فعلية و فاعله ضمير

مستتر «هو» - معطوف) عش (اسم، مفرد، مذکر، معرفة به «ال» / مفعول) ه (اسم / ضمير متصل، للغائب، معرفة به

ضمير / مضاف الیه) **فَوْقَ** (اسم، مفرد، مذکر، نکره / قید) **جِبَالٍ** (اسم، جمع، مکسر «تکسیر» و مفرد «جبل» و هو مذکر، نکره / مضاف الیه) **مُرْتَفَعَةٍ** (اسم، مفرد، مؤنث، اسم فاعل گروه دوم، نکره / صفت مفرد) **بَعِيداً** (اسم، مفرد، مذکر، نکره / حال مفرد) **عَنِ** (حرف، جر، عامل) **المُقْتَرِسِينَ** (اسم، جمع، مذکر، سالم، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر). **وَعِنْدَمَا** (اسم، / قید) **تَكْبِيرُ** (فعل، مضارع، للغائب، ثلاثی مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله **فِرَاحٌ** از نوع اسم ظاهر) **فِرَاحُ** (اسم، جمع، مکسر «تکسیر» و مفرد «الفرخ» و هو مذکر، معرفه به «اضافه» / فاعل از نوع اسم ظاهر) **هَـ**، (اسم / ضمیر متصل، للغائب، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) **يُرِيدُ** (فعل، مضارع، للغائب، ثلاثی مزید در باب افعال، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هو» ) **مِنِ** (حرف، جر، عامل) **ها**، (اسم / ضمیر متصل، للغائبة، معرفه به ضمیر / مجرور به حرف جر) **أَنَّ** (حرف، ناصبه، عامل) **تَقْفِرَ** (فعل، مضارع، للغائبة، ثلاثی مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هی» ) **مِنِ** (حرف، جر، عامل) **عشاً** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر) **ها** (اسم / ضمیر متصل، للغائبة، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) **أَ المُرْتَفِعِ** (اسم، مفرد، مذکر، اسم فاعل گروه دوم، معرفه به «ال» / صفت مفرد) **تَقْدِفُ** (فعل، مضارع، للغائبة، ثلاثی مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله «الفرخ» از نوع اسم ظاهر) **الفرَاحُ** (اسم، جمع، مکسر «تکسیر» و مفرد «الفرخ» و هو مذکر، معرفه به «ال» / فاعل از نوع اسم ظاهر) **نَفْسِ** (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «اضافه» / مفعول) **ها**، (اسم / ضمیر متصل، للغائب، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) **واحداً** (اسم، مفرد، مذکر، اسم فاعل گروه اول، نکره / حال مفرد) **واحداً** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / فاعل از نوع اسم ظاهر) **نَفْسِ** (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «اضافه» / مفعول) **ها**، (اسم / ضمیر متصل، للغائب، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) **واحداً** (اسم، مفرد، مذکر، اسم فاعل گروه اول، نکره / حال مفرد) **مِنِ** (حرف، جر، عامل) **جَبَلٍ** (اسم، مفرد، مذکر، نکره / مجرور به حرف جر) **يَبْلُغُ** (فعل، مضارع، للغائب، ثلاثی مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله «ارتفاع» از نوع اسم ظاهر) **ارتفاعاً** (اسم / مصدر، مفرد، مذکر، معرفه به «اضافه» / فاعل از نوع اسم ظاهر) **هَـ** اسم / ضمیر متصل، للغائب، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) **أَكْثَرَ** (اسم، مفرد، مذکر، اسم تفضیل نکره / مفعول) **مِنِ** (حرف، جر، عامل) **أَلْفِ** (اسم، مفرد، مذکر، نکره / مجرور به حرف جر) **مِترٍ** (اسم، مفرد، مذکر، نکره / مضاف الیه) **وَ** (حرف، عطف، غیر عامل) **تَصْطَدِمُ** (فعل، مضارع، للغائب، ثلاثی مزید در باب افتعال، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هو» - معطوف) **بِ** (حرف، جر، عامل) **الصُّخُورِ** (اسم، جمع، مکسر «تکسیر» و مفرد «الضخرة» و هی مؤنثه، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر) **عِدَّةً** (اسم، مفرد، مؤنث، نکره / قید) **مَرَّاتٍ** (اسم، جمع، مؤنث، سالم، نکره / مضاف الیه). **يَنْتَظِرُ** (فعل، مضارع، للغائب، ثلاثی مزید در باب افتعال، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله «الوالدان» از نوع اسم ظاهر) **الوالدانِ** (اسم، مثنی، مذکر، معرفه به «ال» / فاعل از نوع اسم ظاهر) **أَسْفَلَ** (اسم، مفرد، مذکر، اسم

تفضیل، معرفه به «اضافه» / مفعول **الجبیل** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مضاف الیه) و (حرف، عطف، غیر عامل) **یستقبلان** (فعل، مضارع، للغائب، ثلاثی مزید در باب استفعال، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر بارز متصل «ا») ( **فراخ** (اسم، مجمع، مکسر «تکسیر» و مفرد «الفرخ» و هو مذکر، معرفه به «اضافه» / مفعول **هما** (اسم / ضمیر متصل، للغائبین، معرفه به ضمیر / مضاف الیه). **سقوط** (اسم / مصدر، مفرد، مذکر، معرفه به «اضافه» / مبتدا) **الفراخ** (اسم، مجمع، مکسر «تکسیر» و مفرد «الفرخ» و هو مذکر، معرفه به «ال» / مضاف الیه) **مشهد** (اسم، مفرد، مذکر، اسم مکان، نکره / خبر از نوع مفرد) **مرعب** (اسم، مفرد، مذکر، اسم فاعل گروه دوم، نکره / صفت مفرد) **جدا** (اسم، مفرد، مذکر، نکره / مفعول مطلق) و **لکن** (حرف، عطف، غیر عامل) **لا** (حرف، نفی جنس، عامل) **فرار** (اسم، مفرد، مذکر، نکره / اسم «لا») **من** (حرف، جر، عامل) **ه** (اسم / ضمیر متصل، للغائب، معرفه به ضمیر / مجرور به حرف جر - منه خبر «لا») **ل** (حرف، جر، عامل) **أن** (حرف، مشبّهة بالفعل، عامل) **ه** (اسم / ضمیر متصل، للغائب، معرفه به ضمیر / اسم **أن**) **قسم** (اسم، مفرد، مذکر، نکره / خبر **أن**) **من** (حرف، جر، عامل) **حیاة** (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «اضافه» / مجرور به حرف جر) **ها** (اسم / ضمیر متصل، للغائبة، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) **القاسية** (اسم، مفرد، مؤنث، اسم فاعل گروه اول، معرفه به «ال» / صفت مفرد)

ب- **أکتب** (فعل، امر، للمخاطب، ثلاثی مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «انت») **المحل** (اسم، مفرد، مذکر، اسم مکان، معرفه به «ال» / مفعول) **الإعرابی** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / صفت مفرد) **ل** (حرف، جر، عامل) **ما** (اسم، موصول، معرفه به موصول / مجرور به حرف جر) **تحت** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «اضافه» / قید) **ه** (اسم / ضمیر متصل، للغائب، معرفه به ضمیر / مضاف الیه - تحته خبر مقدم) **خط** (اسم، مفرد، مذکر، نکره / مبتدای مؤخر)

ج- **عین** نوع لا فی «لا فرار منه»: نوع لا را در «لا فرار منه» مشخص کن  
**عین** (فعل، امر، للمخاطب، ثلاثی مزید در باب تفعیل، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «انت») **نوع** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «اضافه» / مفعول) **لا** (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال» در اصل «لا» به جای «الکلمة» آمده / مضاف الیه) **فی** (حرف، جر، عامل) « **لا** (حرف، نفی جنس، عامل) **فرار** (اسم، مفرد، مذکر، نکره / اسم «لا») **من** (حرف، جر، عامل) **ه** (اسم / ضمیر متصل، للغائب، معرفه به ضمیر / مجرور به حرف جر ت خبر «لا») »

د- **کم** جاراً و مجروراً فی النص: چند جار و مجرور در متن وجود دارد  
**کم** (اسم، پرسشی، نکره / مبتدا) **جاراً** (اسم، مفرد، مذکر، اسم فاعل گروه اول، نکره / تمیز از بحث ما خارج است) و **أحرف**، عطف، غیر عامل) **مجروراً** (اسم، مفرد، مذکر، اسم مفعول گروه اول، نکره / معطوف) **فی** (حرف، جر، عامل) **النص** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر)

عَلِمَ: دانست أَعْلَمُ مِنْ: داناتر از سَيَعْلَمُونَ: خواهند دانست	العَلَمَةُ: بسیار دانا
انْتَقَلَ: جابه جا شد لا يَنْتَقِلُ: جابه جا نمی شود رَجَاءً، انْتَقِلُوا: لطفا جابه جا شوید	لن يَنْتَقِلَ: «هرگز» جابه جا نخواهند شد
أَرْسَلَ: فرستاد أُرْسِلُ: فرستاده شد	الرُّسُلُ: فرستاده شده لا تُرْسَلُ: نفرست
عَبَدَ: پرستید العابِدُونَ: پرستندگان أُعْبَدُونِي: مرا پرستید	المعابد: پرستشگاهها
سَاعَدَ: کمک کرد المُسَاعِدُ: کمک کننده هُم سَاعَدُونِي: آن ها مرا کمک کردند	رَجَاءً سَاعِدُونِي: لطفا مرا کمک کنید
طَبَخَ: پخت الطَّبَاخُ: آشپز طَبُخَ: پخته شد	المطبوخ: پخته شده
تَكَلَّمَ: سخن گفت تَكَلَّمْنَا: سخن گفتیم	التَّكَلَّمَ: سخن گفتن نَتَكَلَّمُ: سخن می گوئیم

الْتَّمَرِينُ السَّابِغُ: عَيْنِ الْمَحَلِّ الْأَعْرَابِيِّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ: محل اعراب کلماتی که در زیرشان خطی وجود دارد مشخص کن

الْتَّمَرِينُ (اسم، مفرد، مذکر معرفه به «ال» / خبر برای مبتدایی که حذف شده است) السَّابِغُ (اسم، مفرد، مذکر، اسم فاعل گروه اول، معرفه به «ال» / صفت مفرد): عَيْنِ (فعل، امر، للمخاطب، ثلاثی مزید در باب تفعیل، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «انت»)

الْمَحَلِّ (اسم، مفرد، مذکر، اسم مکان، معرفه به «ال» / مفعول الإعرابی (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / صفت مفرد) ل (حرف جر، عامل) کلمات (اسم، جمع، مؤنث، سالم، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر) الَّتِي (اسم، موصول، مفرد،



مؤنث، معرفه به موصول / صفت مفرد) **تَحْتَ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «اضافه» / قید) **هَا** (اسم / ضمیر متصل، للغائبه، معرفه به ضمیر / مضاف الیه - تحتها خبر مقدم) **حَطَّ** (اسم، مفرد، مذکر، نکره / مبتدای مؤخر)

۱. مداراة النَّاسِ نِصْفُ الْإِيمَانِ مدارا کردن با مردم نصف ایمان است

**مُدَارَاةٌ** (اسم / مصدر باب مفاعلة، مفرد، مؤنث، معرفه به «اضافه» / مبتدا) **النَّاسِ** (اسم جمع، مذکر، معرفه به «ال» / مضاف الیه) **نِصْفٌ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «اضافه» / خبر از نوع مفرد) **الْإِيمَانِ** (اسم / مصدر باب إفعال، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مضاف الیه)

۲. عَدُوٌّ عَاقِلٌ خَيْرٌ مِنْ صَدِيقٍ جَاهِلٍ دشمن دانا هتر از دوست نادان است

**عَدُوٌّ** (اسم، مفرد، مذکر، نکره / مبتدا) **عَاقِلٌ** (اسم، مفرد، اسم فاعل گروه اول، مذکر، نکره / صفت مفرد) **خَيْرٌ** (اسم، مفرد، مذکر، اسم تفضیل، نکره / خبر از نوع مفرد) **مِنْ** (حرف جر، عامل) **صَدِيقٍ** (اسم، مفرد، مذکر، نکره / مجرور به حرف جر) **جَاهِلٍ** (اسم، مفرد، مذکر، اسم فاعل گروه اول، نکره / صفت مفرد)

۳. يَا حَبِيبِي، لَا تَقُلْ كَلَامًا إِلَّا الْحَقَّ أَبَدًا. ای دوستم هرگز سخنی به جز حق را نگو

**يَا** (حرف ندا، غیر عامل) **حَبِيبٍ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «اضافه» / منادی) **يَا** (اسم، / ضمیر متصل للمتکلم وحده، معرفه به ضمیر / مضاف الیه)، **لَا** (حرف نهی، عامل) **تَقُلْ** (فعل مضارع، للمخاطب، ثلاثی مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «أنت» / **كَلَامًا** (اسم، مفرد، مذکر، نکره / مفعول) **إِلَّا** (ادوات استثناء، غیر عامل) **الْحَقَّ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مستثنی) **أَبَدًا** (اسم، مفرد، مذکر، نکره / قید)

۴. الْعِلْمُ فِي الصَّغَرِ كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ. دانش در کودکی مانند نقش بستن در سنگ است

**الْعِلْمُ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مبتدا) **فِي** (حرف جر، عامل) **الصَّغَرِ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر) **كَالنَّقْشِ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / **فِي** (حرف جر، عامل) **الْحَجَرِ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر)

۵. أضعف النَّاسِ مَنْ ضَعُفَ عَنِ كِتْمَانِ سِرِّهِ. ضعیف ترین مردم کسی است که در پنهان کردن رازش ضعیف باشد

**أَضَعَفُ** (اسم، مفرد، مذکر، اسم تفضیل، معرفه به «اضافه» / مبتدا) **النَّاسِ** اسم جمع، مذکر، معرفه به «ال» / مضاف الیه) **مَنْ** (اسم، موصول، مفرد، مذکر، معرفه به موصول / خبر از نوع مفرد) **ضَعَفَ** (فعل، ماضی، للغائب، ثلاثی مجرد، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هو» **عَنْ** (حرف، جر، عامل) **كَيْتَمَانَ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «اضافه» / مجرور به حرف جر) **سِرِّ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «اضافه» / مضاف الیه) **ه** (اسم، ضمیر متصل، للغائب، معرفه به ضمیر / مضاف الیه)

التَّمَرَيْنِ الثَّمَانِ: اِبْحَثْ عَنِ السَّمَاءِ التَّالِيَةِ فِي مَا يَلِي فِي ذِي زَيْرٍ مِي آيِدْ بِه دَنْبَالِ (اسْمِ الْفَاعِلِ وَاسْمِ الْمَفْعُولِ وَاسْمِ الْمُبَالِغَةِ وَاسْمِ التَّفْضِيلِ وَاسْمِ الْمَكَانِ) بگردد

**التَّمَرَيْنِ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / خبر برای مبتدایی که حذف شده است) **الثَّمَانِ**: (اسم، مفرد، مذکر، اسم فاعل گروه اول، معرفه به «ال» / صفت مفرد): **اِبْحَثْ** (فعل، امر، للمخاطب، ثلاثی مجرد، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «انت») **عَنْ** (حرف، جر، عامل) **السَّمَاءِ** (اسم، جمع، مکسر «تکسیر» و مفرد «الاسم» و هو مذکر، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر) **التَّالِيَةِ** (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال» / صفت مفرد) **فِي** (حرف، جر، عامل) **مَا** (اسم، موصول، معرفه به موصول / مجرور به حرف جر) **يَلِي** (فعل، مضارع، للغائب، ثلاثی مجرد، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «هو»

﴿...إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ...﴾ بیگمان نفس بسار دستور دهنده به بدی است

﴿...إِنَّ حَرْفَ مَشْبَهَةَ بِالْفِعْلِ، عَامِلٌ (النَّفْسِ) (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال» / اسم) **إِنَّ** (حرف، تأکید، غیر عامل) **أَمَّارَةٌ** (اسم، مفرد، مذکر، اسم مبالغة، نکره / خبر **إِنَّ**) **بِ** (حرف، جر، عامل) **السُّوءِ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» ؟ مجرور به حرف جر) ...﴾

اعْلَمُ بِأَنَّ خَيْرَ الْإِخْوَانِ أَقْدَمُهُمْ **بَدَانِ كِه بَهْتَرِينَ يَارَانِ (دوستان) قَدِيمِي تَرِينِ أَنَهَاسْتِ**

**اعْلَمُ** (فعل، امر، للمخاطب، ثلاثی مجرد، متعدی، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «انت») **بِ** (حرف، جر، عامل) **أَنَّ** (حرف، مشبَهة بِالْفِعْلِ، عَامِلٌ) **خَيْرَ** (اسم، مفرد، مذکر، اسم تفضیل، معرفه به «اضافه» / اسم) **أَنَّ** (اسم) **الْإِخْوَانَ** (اسم، جمع، مکسر «تکسیر» و مفرد «الاخ» و هو مذکر، معرفه به «ال» / مضاف الیه) **أَقْدَمُ** (اسم، مفرد، مذکر، اسم تفضیل، معرفه به «اضافه» / خبر **أَنَّ**) **هَم** (اسم / ضمیر متصل، للغائب، معرفه به ضمیر / مضاف الیه)

أَكْبَرُ الْحُمْقِ الْغُرَاقُ فِي الْمَدْحِ وَالذَّمِّ **بَزْرَگْتَرِينَ نَادَانِي زِيَادَةَ رُويِ دَرِ سَتَائِشِ وَنَكُوْهَشِ اسْتِ**

**أَكْبَرُ** (اسم، مفرد، مذکر، اسم تفضیل، معرفه به «اضافه» / مبتدا) **الْحَمَقِ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مضاف الیه) **الْأَغْرَاقُ** (اسم / مصدر، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / خبر از نوع مفرد) **فِي** (حرف، جر، عامل) **الْمَدْحِ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر) **وَ** (حرف، عطف، غیر عامل) **الذَّمِّ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / معطوف)

طَلَبُ الْحَاجَةِ مِنْ غَيْرِ أَهْلِهَا أَشَدُّ مِنَ الْمَوْتِ دِرْخَوَاسْتِ نِيَازِ از غَيْرِ اَهْلِ خُودِ سَخْتِ تَرِ از مَرِگِ اسْتِ

**طَلَبُ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «اضافه» / مبتدا) **الْحَاجَةِ** (اسم، مفرد، مؤنث، معرفه به «ال» / مضاف الیه) **مِنْ** (حرف، جر، عامل) **غَيْرِ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «اضافه» / مجرور به حرف جر) **أَهْلِ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مضاف الیه) **هَا** (اسم / ضمیر متصل، للغائبه، معرفه به «ضمیر» / مضاف الیه) **أَشَدُّ** (اسم، مفرد، مذکر، اسم تفضیل، نکره / خبر از نوع مفرد) **مِنِ** (حرف، جر، عامل) **الْمَوْتِ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر)

قُمْ عَنْ مَجْلِسِكَ لِأَبِيكَ وَ مَعْلَمِكَ وَإِنْ كُنْتَ أَمِيرًا بِهْ خَاطِرِ احْتِرَامِ بِهْ پَدَرِ وَ مَعْلَمَتِ از جَايْتِ بِرْخِيْزِ هَرْچَنْدِ فَرْمَانَدِهْ بِاشِيْ

**قُمْ** (فعل، امر، للمخاطب، ثلاثي مجرد، لازم، معلوم / جمله فعلیه و فاعله ضمیر مستتر «أنت») **عَنْ** (حرف، جر، عامل) **مَجْلِسِكَ** (اسم، مفرد، مذکر، اسم مکان، معرفه به «اضافه» / مجرور به حرف جر) **كَ** (اسم / ضمیر متصل، للمخاطب، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) **لِ** (حرف، جر، عامل) **أَبِي** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «اضافه» / مجرور به حرف جر) **كَ** (اسم / ضمیر متصل، للمخاطب، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) **وَ** (حرف، عطف، غیر عامل) **مَعْلَمِكَ** (اسم، مفرد، مذکر، اسم فاعل گروه دوم، معرفه به «اضافه» / معطوف) **كَ** (اسم / ضمیر متصل، للمخاطب، معرفه به ضمیر / مضاف الیه) **وَ** (حرف، وصلیه، غیر عامل) **إِنْ** (حرف، شرط، عامل) **كُنْتَ** (افعال ناقصه، للمخاطب، ثلاثي مجرد / افعال ناقصه و سمه ضمیر بارز متصل «ت») **أَمِيرًا** (اسم، مفرد، مذکر، نکره / خبر «كان از نوع مفرد»)

يَوْمُ أَعْدَلَ عَلَى الظَّالِمِ أَشَدُّ مِنْ يَوْمِ الْجَوْرِ عَلَى الْمَظْلُومِ. رُوزِ عَدَالَتِ بِرِ سَتَمِگَرِ سَخْتِ تَرِ از رُوزِ سَتَمِ بِرِ سَتَمِ دِيْدِهْ اسْتِ

**يَوْمُ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «اضافه» / مبتدا) **أَعْدَلَ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مضاف الیه) **عَلَى** (حرف، جر، عامل) **الظَّالِمِ** (اسم، مفرد، مذکر، اسم فاعل گروه اول، معرفه به «ال» / مضاف الیه) **أَشَدُّ** (اسم، مفرد، مذکر، اسم تفضیل، نکره / خبر از نوع مفرد) **مِنِ** (حرف، جر، عامل) **يَوْمِ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «اضافه» / مجرور به حرف جر) **الْجَوْرِ** (اسم، مفرد، مذکر، معرفه به «ال» / مضاف الیه) **عَلَى** (حرف، جر، عامل) **الْمَظْلُومِ** (اسم، مفرد، مذکر، اسم مفعول گروه اول، معرفه به «ال» / مجرور به حرف جر).